



دوره هفتم ، سال دوم ، شماره ۴۵۸  
سه شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۵۹ ، مطابق با  
۲۵ ربیع الثانی ۱۴۰۱ - ۱۵۰۰ ریال

### جامعه سوسیالیستی اتحاد شوروی از پدیده های بحران فارغ است

کار بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی، که روز ۴ اسفند ۵۹ در مسکو گشایش یافت، همچنان ادامه دارد. در جلسه روز ۹ اسفند، اظهار نظر نمایندگان کنفرانس پیرامون گزارش نیکلای خروش، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی، درباره برنامه پنجساله پیشرفت اقتصادی اتحاد شوروی ادامه یافت. نمایندگان کنفرانس در اظهار نظرهای خود جوانب مختلف این برنامه را مورد بررسی قرار دادند و ملاحظاتی و نظریات اصلاحی خود را برای تدقیق و تکمیل مواد این برنامه ارائه نمودند.

در بخشی از گزارش نیکلای خروش، رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی آمده است: «مخالف تبلیغاتی جهان سرمایه داری تلاش دارند بظهور انحراف توجه زحمتکشان کشورهای سرمایه داری از مضامین پدیده های بحران در اقتصاد بیمارگونه جهان سرمایه داری، مانند تورم، بیکاری و افزایش سرسام آور قیمتها، که بیآمدهای آن مستقیماً زندگی زحمتکشان را تحت فشار قرار میدهد، واقعیت سیستم اقتصادی سوسیالیسم را در اتحاد شوروی تحریف کنند و نظام سوسیالیستی را مورد حمله قرار دهند. این مخالف چنین تبلیغ میکنند که گویا اتحاد شوروی با بحران اقتصادی روبروست.»

رئیس شورای وزیران اتحاد شوروی در گزارش خود خاطر نشان میسازد: «واقعیت زندگی در اتحاد شوروی، سالهاست که بطلان این نظریات را به اثبات رسانده است. برخلاف جامعه سرمایه داری، که همواره در زیر فشار تضادهای ساختاری قانونمند خود با پدیده های تورم، بیکاری و بحران روبروست، سوسیالیسم با وحدت و یکپارچگی اجتماعی و سیاسی جامعه و برنامه ریزی عملی امور اقتصادی برفع همه زحمتکشان از این پدیده های بحران فارغ است و شکوفایی و ترقی مداوم اقتصاد و ارتقاء سطح رفاه زندگی زحمتکشان را تأمین میکند.»

### اظهار نظر مهمانان خارجی شرکت کننده در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی

ملکلان، دبیر کل حزب کمونیست بریتانیا، که در راس هیئت نمایندگی این حزب در بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی شرکت دارد، طی مصاحبه مطبوعاتی در مرکز مطبوعاتی کنفرانس اظهار داشت: «بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی نظر مطبوعات و مخالف اجتماعی جهان را بخود جلب کرده است. این توجه یکی از مظاهر قدرانی خلقهای جهان از نقش قاطع و مؤثری است که اتحاد شوروی در حل مضامینی که بشریت با آنها روبروست، ایفا میکند.»

## توطئه های امپریالیسم امریکادریستان وبلوچستان ابعاد خطرناکی یافته است

- ضدانقلاب تاکنون ۴۰ پاسدار را در استان سیستان و بلوچستان ترور کرده است.
- گروهکهای مائوئیستی - امریکائی، همپای خونین و قاچاقچیان، توطئه علیه انقلاب را گسترش داده اند.
- کشتار پاسداران، قاچاق وسیع و ایجاد ناامنی و آشوب، گوشه هایی از فعالیت ضدانقلاب در این ناحیه است.

می کنند و حتی دست به کشتار و ترور این فرزندان انقلابی خلق می زنند. شهادت ۷ نفر از پاسداران انقلاب در روزهای اخیر و نیز یک پاسدار در روز ۷ بهمن ۵۹ در کنار ۱۱ پاسدار در سال گذشته، تنها گوشه های از عملیات جنایتکارانه ضدانقلاب است.

فرمانده سپاه پاسداران ایرانشهر در مصاحبه ای، قبل از ترور ۷ پاسدار، با تلوویزیون استان، تعداد شهدای سپاه در این منطقه را ۴۰ نفر اعلام کرد. وی در همین مصاحبه تأکید کرد که سپاه با تمام قدرت خود به مقابله با گروه های مسلح ضدانقلاب پرداخته و می پردازد و در نتیجه این عملیات، فعالیت این گروه ها تا حدودی کاهش یافته و رهبران آنها به پاکستان فرار کرده اند.

سخنان فرمانده سپاه پاسداران ایرانشهر، ضمن اینکه نشان میدهد که این ضدانقلابیون مسلح دارای چه پایگاهی هستند و از چه کسانی کمک می گیرند، بیانگر توطئه های جنایتکارانه ضدانقلابیون مسلح علیه پاسداران و دیگر نیروهای انقلابی در این استان است.

بقیه در صفحه ۴

انقلابی شرکت مؤثر و مستقیم دارند. اینان تحت پوشش «اسلام» و با استفاده از امکاناتی که رژیم دست نشانده ضیاءالحق در پاکستان در اختیارشان می گذارد، به همانسان که علیه انقلاب افغانستان دست به توطئه و تحریک می زنند، علیه انقلاب ایران نیز عملیات مشابهی را انجام می دهند. باصطلاح «مبارزان افغانی» از عوامل اصلی قاچاق مواد مخدر، ارز و اسلحه های گوناگون در استانهای مرزی کشور و از جمله سیستان و بلوچستان هستند. میتوان رؤوس اصلی فعالیت ضدانقلاب را در این استان چنین جمع بندی کرد:

### تبلیغ علیه نیروهای انقلابی و کشتار پاسداران

ضدانقلاب، از آنجا که با مقاومت نهادهای انقلابی و بخصوص ارگانهای مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی روبرو است، عمده حمله تبلیغی و تخریبی خود را متوجه این نیروها کرده است. قناره بندگان مسلح قناره های، اربابان حرفه ای و ساواکیهای چاقی، در کنار گروهکهای مائوئیستی - امریکائی، علیه پاسداران انقلاب فعالیت تبلیغی گسترده ای

خبر تکان دهنده شهادت ۷ تن از پاسداران انقلاب استان سیستان و بلوچستان، همراه با اخبار متعددی که از فعالیت عوامل ضدانقلاب در این استان پرمده پرمیدارد، نشان دهنده آن است که توطئه های مزدوران و عوامل امپریالیسم امریکا در این منطقه، ابعاد خطرناکی پیدا کرده است.

عوامل مسلح ضدانقلاب، قناره های و قناره بندگان، قاچاقچیان اسلحه، پول و مواد مخدر، گروهکهای مائوئیستی - امریکائی و روحانی نمایان و ساواکیها، در یک جبهه متحد فعالانه تلاش می کنند، تا هر چه بیشتر این استان را به آشوب بکشاند و هر چه مرجع ایجاد کنند.

جبهه ضدانقلاب در این استان با حمله به پاسداران و نیروهای مسلح، با به آتش کشیدن کتابخانه های اهل سنت و اهل تشیع، با قاچاق گسترده مواد مخدر و انواع اسلحه ها، و سرانجام با تبلیغات گسترده علیه ارگانهای انقلابی کشور، مانند سپاه پاسداران و جهاد سازندگی، نقشه های شوم خود را، که مستقیماً از سوی امپریالیسم امریکا و پاکستان دیکته شده، اجرا می کنند. همچنین باصطلاح «مبارزان افغانی» هم در تمامی این عملیات تخریبی وضد

## چماق داری

های سرمایه داری تمام «آزادی» ها، از جمله آزادی اعتصاب، ذکر شده است، ولی چماق چماقدار، زیر حمایت پلیس، این «آزادی» را به آسانی آب خوردن از زحمت کشان سلب میکند.

ایران شاهنشاهی نیز، که در تمام موارد قدم بقدیم بسدنبال سرمایه داری منطبق غرب گام بر میداشت، پدیده چماقداری را سیاست دولتی خود تبدیل کرد. در دوران جنبش ملی کردن صنایع نفت، در تمام شهرهای ایران، دسته های چماقدار برای حمله به تظاهرات کارگران و محل تجمع هواداران و اعضای سازمانهای مترقی و دمکراتیک، بویژه حزب توده ایران، تشکیل

درباره استقلال  
و وابستگی دوستان  
و دشمنان انقلاب (۲)  
صفحه ۶

## برای مردم، تعامل در تکمیل کابینه نامفهوم و غیر قابل دفاع است

اکنون دیگر همگان متفق - اتقوانند که فقدان سه وزیر در دولت و بی تصدی ماندن سه وزارتخانه بسیار مهم، آنهم ماهها پس از تشکیل دولت، نامفهوم و غیر قابل دفاع شده است.

ماههاست که سه وزارتخانه بسیار پراهمیت امور خارجه، اقتصاد و دارائی و بازرگانی، ظاهراً به این دلیل که «آدم مناسب» و مورد توافق، پیدا نمیشود، بدون سرپرست مانده اند و در نتیجه مشکلات جدی در زمینه هایی که برای حیات انقلاب و پیشروی آن، اهمیت حیاتی دارند، پدید آمده است.

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران بدون سرپرست است، و این در حالی است که اتخاذ یک سیاست فعال، روشن و ضد امپریالیستی، بویژه در زمانیکه جمهوری اسلامی ایران با تجاوز مستقیم رژیم جنایتکار صدام حسین و توطئه های رنگارنگ امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، روبروست، بقیه در صفحه ۴

## بالاخره پروتکل ملاقات با برژینسکی را منتشر میکنند یا نه؟!!

اینک، هر چه بیشتر آشکار میشود که سیاست لیبرال های وطنی از آغاز با مشی امپریالیسم امریکا در برابر انقلاب ایران هماهنگ بوده است.

این هماهنگی، که تازه ترین نمونه آنرا در مغالزه ریگان و عناصر باصطلاح «میانرو» و «معتدل» (بخوان: لیبرال) دیدیم، با نقشه های سالیوان - بازرگان برای «گذار مسالمت آمیز» انقلاب آغاز شد و با «زدویندن» نافرمان «الجزیره» به اوج خود رسید.

گاردار سفارت امریکا در تهران (بروس لینگن) به این پرسشی که آیا مخالف یادشده (عناصر انقلابی) از آن فریاد می شنود که «دیدار الجزیره» دخالت دوباره امریکا را در امور ایران موجب شود، پاسخ مثبت داد. وی گفت آنها احساس میکردند که دولت موقت بازرگان اندیشه بازگشت شیوه های گذشته را در سر می پروراند. تمایل بازرگان به بررسی گوشه های امریکایی استوار دوپاره مناسبات با ایران از نظر عناصر تندرو غیر قابل قبول است.

### طی دو روز گذشته: ضربات سنگینی بر دشمن وارد آمد

در ادامه نبرد بین دلاوران انقلاب و نیروهای متجاوز صدامی، طی دو روز گذشته ضربات سنگینی بریکر دشمن وارد آمد.



### چماقداری ...

بقیه از صفحه ۱

چماقداران اعتراض کند. ما از همان نخستین روزهای پس از انقلاب به هواداران صدیق انقلاب هشدار دادیم که چماق-داری در خدمت ضد انقلاب و رهبری آن بطور عمده در دست وابستگان به رژیم سابق و شیطان بزرگ است و هدف چماقداری نیز تفرقه افکنی در بین نیروهای مومن به انقلاب است. اگر از همان ابتدا از رشد این پدیده جلوگیری میشد، کار پایتخت نمی کشید که چماق-داری هفته ها موضوع اصلی بحث روزنامه ها باشد.

سازمان دهنده اصلی چماقداری ضدانقلاب و ساواک است. این دیگر تردیدناپذیر است. ولی پدیده چماقداری در ذهن برخی از عناصر ناآگاه، ولی مومن به انقلاب نیز متأسفانه ریشه دوانده است. دشمن تخم اهیمنی خود را کاشته است و اکنون با حوصله و صبر در انتظار پشم رسیدن آنست. لذا نمی توان با چماقداری تنها از طریق مداخله نیروهای انتظامی مبارزه کرد. باید به آن جوانان فریب خورده، که راه حل تمام مسائل اجتماعی را در کاربرد چماق جستجو میکنند، فهماند که ضدانقلاب صداقت آنان را به بازی گرفته و آنان را به آلت دست خود برای ایجاد شکاف در جامعه انقلابی ایران تبدیل کرده است. این خدمت به ضدانقلاب است و نه به اسلام یا ایران، که عده ای پریشان سر و مغز دیگران را اشغال بگویند، یا دکاهای را آتش بزنند و تمام کسانی را که ناظر این حرکات وحشیانه هستند، به نظام جمهوری اسلامی ایران و انقلاب بدبین کنند، در جامعه انقلابی بسود دشمن شکاف بیندازند و کار شیطان بزرگ را آسانتر کنند. متأسفانه تنها برخی جوانان نیستند که با اینگونه اقدامات خود مستقیم و غیرمستقیم بدشمن کمک میسازند. برخی از سالمندان بی تجربه و ناآگاه در مسائل اجتماعی نیز در صف این گونه جوانان گام بر میدارند. باید با این تصور ساده لوحانه که می توان با کوفتن چماق بر فرق کسی، فکری را از سر او بیرون کرد، با تمام نیرو مبارزه کرد. باید آزاد اندیشی و تحمل افکار و عقاید دیگران را در کسانی که در دوران شاهنشاهی در جهل کامل سیاسی نگاه داشته شده اند، تقویت کرد. سطح آگاهی سیاسی آنان را بالا برد، تا بتوانند خواسته های خود را نه از طریق چماق، بلکه از راه شرکت موثر در نهادهای انقلابی و انتخابات شوراهای و سایر سازمانهای اجتماعی و سیاسی از پیش ببرند. جهل سیاسی نه تنها در این مورد، بلکه در همه جال برای فعالیت ضد انقلاب زمینه اجتماعی فراهم میسازد و چه بهتر که گویندگان و نویسنده گان، زبان و قلم خود را در راه پراکنده کردن آبرو تیره جهل بکار برند و آنرا به چماق برای کوبیدن بر سر یکدیگر مبدل نکنند. اگر ما در این راه موفق شدیم، آنوقت بسادگی میتوان سازمانده اصلی چماقداری - ضدانقلاب و ساواک را شناخت، شناساند و سرکوب کرد.

نتایج کار خود واقف نیستند. اگر چنین بوده، این پدیده، علیرغم گفته های مکرر امام خمینی، رئیس جمهور، آیت الله منتظری، رئیس دیوان عالی کشور، رئیس مجلس شورای اسلامی، دادستان کل کشور، امام جمعه تهران وزیر کشور و... بصورت یکی از معضلات کنونی کشور در نمی آمد. سازمان دهندگان چماقداری خوب میدانند که چه میکنند و در کارشان نیز متأسفانه تاکنون موفق بوده اند.

چماقداران در برافروختن آتش اختلاف در بین گروه های سیاسی و محافل و جناح های مختلف نقش مهمی داشته اند. اگر حوادث کردستان، میتینگ امجدیه، وقایع دانشگاه، هجوم به مراکز دفاتر احزاب و روزنامه ها و حملات اخیر به سخنرانی های شخصیت های دولتی و اجتماعی را از نظر بسگذرانیم، میتوانیم هدف مشخصی را که رهبران چماقداری دنبال کرده و میکنند، به آسانی تشخیص دهیم. اینکه کسانی در کردستان به روبرو طرف تیراندازی میکردند، در امجدیه به سر دو طرف سنگ می انداختند، در دانشگاه هر دو طرف را تحریک میکردند و در سخنرانی های اخیر در آن واحد له و علیه یک نفر شعار میدادند، بروشنی ثابت میکند که سران چماقداری سیاست آگاهانه ای را دنبال میکنند و آن ایجاد تفرقه و رویارویی در میان نیروهای هوادار انقلاب است. هستند افراد، گروه ها و دسته های، که بلحاظ مواضع عینی و ذهنی خود و یا بدلیل وابستگی هایشان به امپریالیسم و ضدانقلاب، بقول امام خمینی، «چماق زبان» و «چماق قلم» را در همین راه بکار میبرند. همین چماقداران زبان و قلمند که برای چماقداران عرصه را باز، و زمینه فکری فراهم میسازند.

جنگ سرد، مقدمه جنگ گرم است و این جنگ زبان و قلم را نیز بطور عمده همان هواداران بازگشت امپریالیسم و احیاء سرمایه داری دامن میزند، فرق نمیکند که زیر نقاب مائوئیستی با شعارهای چپ ناسا پنهان شوند یا با پرچم «آزادی» میدان بیایند و یا مبارزه با «چماقداری» را برای عمیق کردن اختلاف در میان نیروهای هوادار انقلاب علم کنند.

آنروز که چماقداران، برای نخستین بار، پس از انقلاب، چماق خود را بر سر حزب ما فرود آوردند، ما فریاد کشیدیم که هدف چماقداری تنها ما نیستیم و این رشته سر دراز دارد و نباید بیچسب اجازه داد که بتواند از احساسات پاک عده ای ناآگاه، برخلاف منافع انقلاب، در جهت تفرقه افکنی استفاده کند. چماقداران دهها بار به دفاتر، کتابخانه ها و سازمان های حزب توده ایران حمله کردند و یک نفر از میان آقایان مدافع «آزادی» جسارت اینرا در خود نیافت که بنام «صدالت» و «قانون اساسی» و «آزادی» به عمل

### توطئه های امپریالیسم ...

بقیه از صفحه ۱

گروهک های مائوئیستی - آمریکایی هم در کنار ضدانقلابیون مسلح، علیه نهاد های انقلابی و بویژه سپاه پاسداران به فعالیت مشغولند. گروهک ضدانقلابی «بیکار» که سابقه درخشان در پیکار با توده ها به نفع آمریکا دارد، در ورق پاره های خود از سپاهیان بعنوان «حامیان سرمایه و تروریست های رژیم» نام می برد و مردم را علیه این نهاد انقلابی تحریک می کند. این گروهک ضدانقلابی در زمانی که مزدوران مسلح ضدانقلاب، پاسداران را به رگبار مسلسل می بندند، آنها را «تروریست» می نامد و بدین گونه به کشتار جنایتکارانه ضدانقلاب صحنه می گذارد.

### چاقاقرز، اسلحه و مواد مخدر

چاقاقرز، اسلحه و مواد مخدر، که با استفاده از مرز پاکستان و با حمایت تفنگداران خانها و فئودالهای منطقه و نیز شرکت تجار بزرگ و مزدوران افغانی صورت می گیرد، از فعالیت های دیگر ضدانقلاب در این استان است. آمار و ارقامی که از سوی نهادهای رسمی در سطح استان منتشر شده، از نحوه فعالیت ضدانقلاب در این زمینه پرده بر میدارد. براساس اطلاعات منتشر شده، مامورین کلاتری در مبارزه با چاقاقرز مواد مخدر در زاهدان، در ۲۳ آذر ۵۹، ۴ کیلو و ۳۰۰ گرم حشیش را از ۳ چاقاقرچی معروف منطقه کشف کردند. در ۱۳ دی ۵۹ نیز مامورین پاس گاراهای مسافری، که در محدوده کلاتری بخش ۲ زاهدان فعالیت می کنند، ۵ کیلو و ۹۰۰ گرم حشیش را کشف و ضبط کردند. همچنین در ۱۶ دی ۵۹ مامورین کلاتری بخش ۲ این شهرستان، ۳ کیلو و ۲۸۰ گرم تریاک از چاقاقرچیان بدست آوردند و چاقاقرچیان را تحویل دادگاه انقلاب اسلامی دادند. در همین زمینه، مامورین کلاتری در مبارزه با چاقاقرز مواد مخدر، ۹۵ گرم هروئین و ۹۹ گرم شیره تریاک را کشف کردند و از یک افغانی بنام غلام حضرت، ساکن قندهار ۴ کیلو و ۸۰۰ گرم حشیش بدست آوردند. ژاندارمری ناحیه ۱۱ سیستان و بلوچستان نیز در گزارش فعالیت آذرماه ۵۹ خود، از کشف ۵۰ کیلو و ۷۴۳ گرم تریاک و حشیش و مقادیر زیادی سیگار، مشروب، پارچه، ساعت، قند

و ... و مقادیر زیادی پول عربستان سعودی، پول افغانی و پول پاکستانی و نیز ۲ میلیون و ۹۷۰ هزار ریال پول رایج ایران، خبن داده است. شهربانی زاهدان هم روز سوم دی ماه ۵۹، در شرح فعالیت ۴ ماه گذشته خود، از مقادیر زیادی سلاح های مختلف نظیر اسلحه کمری، ژس، یوزی، برنو، خشاب و تیر فشنگ، که توسط مامورین این شهربانی کشف شده است، خبر داد. در همین گزارش به دستگیری ۱۳۹ نفر از چاقاقرچیان این سلاحها اشاره شده است. اخبار فوق بروشنی نشان میدهند که چاقاقرچیان فعالیت خود را در تمام زمینه ها بطور همه جانبه افزایش داده اند.

### توطئه ایجاد درگیری بین شیعه و سنی

خوانین، روحانی نماها، مزدوران افغانی و تمام گروهک های ریز و درشت ضدانقلابی در این منطقه، در کنار تمام توطئه های خود، به ایجاد جو متشنج میان اهالی شیعه و سنی محل دست میزنند. آنها با اقدامات تحریک آمیزی نظیر حمله به مساجد و کتابخانه های اهل سنت یا اهل تشیع، و انتشار نشریاتی که در آن مراسم مذهبی پیروان تشیع یا تسنن به مسخره گرفته شده است، سعی می کنند تا پیروان این دو مذهب را بجان یکدیگر بیندازند و هیزم بیار آتش کینه و عنادوتی باشند که خود ایجاد کرده اند. عبرت آموز است که در همین نشریاتی که به نفاق افکنی مشغولند، سخنان برهان الدین ربانی، رهبر آمریکایی «مبارزین افغانی»، که سابقه دست بوسی سادات خائن را نیز دارد، چاپ و تبلیغ می شود.

این حوادث نشان میدهد که توطئه ایجاد درگیری بین اهل سنت و اهل تشیع، که در کنفرانس آمریکائی طائف نیز مطرح شد و امام خمینی، رهبر انقلاب، برای خنثی کردن آن همه اهالی شیعه و سنی کشور را به هوشیاری دعوت کردند، همچنان در دستور روز ضدانقلاب و وابسته به آمریکا قرار دارد.

**چه باید کرد؟**

برای مقابله با توطئه های امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب پرورده اش چه باید کرد؟

پاسخ به این سؤال بویژه از آنجست مهم است که منطقه سیستان و بلوچستان

### برای مردم تعلل در تکمیل کابینه نامفهوم و غیر قابل دفاع است

بقیه از صفحه ۱

اهمیت حیاتی دارد. عدم تعیین سرپرستان این دو وزارتخانه مهم، عملاً مسکن سیاست های اقتصادی، بازرگانی و مالی جمهوری اسلامی ایران را در دست لیرالها و مدافعان سرمایه داری بزرگ وابسته که دو سال است مواضع محکمی را در این دو وزارتخانه در دست دارند، باقی میگذارد. چنین وضعی مجموعه اقتصاد کشور و زندگی و کار زحمتکشان را به مخاطره می افکند، و این چیزی نیست جز تضعیف انقلاب و جمهوری اسلامی ایران.

بیشک هیچکس باور نخواهد کرد که پس از گذشت قریب به ۶ ماه از تشکیل کابینه، ۳ «آدم» مناسب در میان ۳۵ میلیون ایرانی برای اداره این سه وزارتخانه مهم یافت نشده اند، در واقع همانگونه که شواهد نشان میدهند، مساله نه بر سر «آدم» مناسب، بلکه بر سر خط مشی های متضاد و سیاست های گوناگون است.

اما فرصت برای حل اختلاف نظر بر سر «آدم»، حتی در موارد کم اهمیت تر نیز نامحدود نمیتواند باشد، چه رسد به مساله ای تا به این حد بر اهمیت و از نقطه نظر

مصلح انقلاب، حیاتی. بنظر ما، رئیس جمهور، دولت و مجلس شورای اسلامی به درجات مختلف در این زمینه در برابر مردم مسئولند و باید این گره حساس را هر چه سریعتر، نه با در نظر گرفتن منافع و نقطه نظر های شخصی و گروهی، بلکه با توجه به مصالح حیاتی انقلاب، بشکایند. سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید هر چه سریعتر با انتصاب یک مسئول متعهد و انقلابی، در جهت تحکیم جبهه مدافعان انقلاب ایران و مقابله با توطئه های امپریالیسم، بسرگردگی آمریکا، فعال شود و وزارتخانه های اقتصاد و دارائی و بازرگانی نیز باید هر چه سریعتر بدست سرپرستانی سپرده شود که با برنامه های سنجدیده، بنیة اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را تقویت کنند و بسود زحمتکشان و محرومان و علیه غارتگران و مستکبرین، عمل نمایند.

تکمیل هر چه سریعتر کابینه با وزرای متعهد و انقلابی و سیاست درست و انقلابی، ضرورت مبرم روز است.

- ۱- کنترل دقیق مرزها و بخصوص مرز پاکستان و جلوگیری از ورود مزدوران افغانی، که برای خرابکاری و تحریک و قاچاق به ایران اعزام می شوند.
- ۲- دستگیری و مجازات قاچاقچیان پول، اسلحه و مواد مخدر.
- ۳- مبارزه قاطع با خوانین و فئودالها و دارودسته مسلح آنان و خلع سلاح آنان.
- ۴- اجرای هر چه سریعتر قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب در این ناحیه.
- ۵- سرکوب دستجات راهزن و خرابکار، که با ایجاد ناامنی و هرج و مرج در جاده ها و شهرها، به کشتار پاسداران و دیگر نیروهای مسلح پرداخته اند و زمینه را برای درگیری و تشنج فراهم می آورند.
- ۶- رسیدگی به نیازهای متعدد مردم محروم این ناحیه از کشور و اقدام سریع جهت رفع آنها.
- ۷- خنثی کردن تبلیغات ضدانقلابی گروهک های مائوئیستی - آمریکائی و تمام دستجات و گروهک های که علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تبلیغ و تلاش می کنند که مسیر مبارزه توده ها را از مبارزه با دشمن اصلی - شیطان بزرگ، منحرف سازند.
- هشیاری و برخورد سریع و قاطع مقامات مسئول مرکز و استان به توطئه های ضدانقلابی، برخورد سریع و قاطع مقامات مسئول مرکز و استان به مسائل و مشکلات زحمتکشان و مردم محروم و بیداری و اتحاد مردم و نیروهای انقلابی استان سیستان و بلوچستان، خواهد توانست توطئه های امپریالیسم آمریکا و رژیم های دست نشانده اش در منطقه و ضدانقلاب پرورده اش در داخل کشور را خنثی کند و راه را برای نوسازی بسود زحمتکشان هموار سازد.

- جمع آوری شده در عروسی ی. د. دوحله انگشتت
- بهر روز از شیراز ۲۰۰۰ ریال
- محمود شهربازی از شیراز ۱۵۰۰۰ ریال
- کمک سازمان حزب در بندرگز ۱۱۱۵۰ ریال
- کمک به حزب محمدان بندرگز ۳۰۰۰ ریال
- کمک سازمان حزب در گرگان ۴۴۰۰۰ ریال
- کمک یک راننده تاکسی از گرگان ۱۰۵۰ ریال
- کمک فروزان. پ. از گرگان ۴۷۰ ریال
- فرامرز از جنوب ۱۰۰۰۰ ریال
- ش از بندرعباس ۱۰۰۰۰ ریال
- شهر. ز ۵۰۰۰۰ ریال
- علاقه مندان می توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قتی کی منش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین قاطمی بپردازند.



### هم استقلال هم دوستی، نه وابستگی نه انزوا

سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" ادعا می کند که ما گویا طرفدار قطع رابطه با غرب هستیم. نه! ما طرفدار قطع وابستگی هستیم نه قطع رابطه. منتهی تا رابطه ما با آمریکا رابطه وابستگی است، "این رابطه را می - خواهیم چه کنیم؟" شما هم اگر عالما و عامدا "به جای واژه وابستگی، "رابطه" گذاشته اید، پس می خواهید سفسطه کنید و سیاست اصولی ما را تحریف کنید و غیر عملی و نشدنی جلوه گر سازید. اگر هم ناخودآگاه و سهوا "چنین اشتباهی" کرده اید، خود نشان آن است که برای شما رابطه داشتن با آمریکا و غرب به معنای وابستگی است و در مخیله شما هیچ نوع رابطه دیگری جز رابطه وابستگی نمی گنجد.

سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" یکجا هم، بکلی بی اختیار، "معقول و میانرو" می شود، "قابل مذاکره و منطقی" می شود و دنبال "قرار داد منصفانه" با آمریکا می گردد و بالاخره جان کلام را، که آن همه بر روانش سنگینی می کرد، بروز می دهد و می نویسد:

در سیاست خارجی فریب گروه های وابسته، یعنی قطع رابطه با غرب را نخوریم، که این سیاست لاجرم ما را به دامان شرقی کشاند! باید گفت: خیالتان جمع باشد! مردم ایران فریب لیبرال ها را، زیر هر نام و عنوانی به میدان آیند، نخواهند خورد، زیرا که سیاست اینان لاجرم انقلاب ما را به اودادی فنا می کشاند.

سرمقاله "انقلاب اسلامی" پیدا است که معجونی است از انواع نظریات لیبرالی و مائوئیستی، که تحلیلی به کلی غیرواقعی و نادرست از انقلاب ایران و موقعیت بین المللی آن به دست می دهد. نتیجه مستقیمی که از آن ناشی می شود اینست که: اگرچه برای وزن شعر در یک جا از دشمن اصلی ما آمریکا هم نام برده می شود، ولی هشدار می دهد که: "امپریالیسم غرب به علت سابقه سی ساله اش برای مردم ایران شناخته شده است. بنا بر این "روسیه" می ماند که دشمن است و ناشناخته، پس بسی خطرناکتر! می بینید که محتوای نظریه معروف "سه جههان" مائوئیستی، چه آسان، با زتاب خود را در سرمقاله روزنامه های که نام انقلاب و اسلام بر خویش دارد، پیدا کرده است.

سرمقاله نویسنده "انقلاب اسلامی" با نثار ناسزاها و طرح ادعاهای دروغ درباره حزب توده - ایران، سخت از این که ما درک خودمان را از "استقلال" بیان کرده ایم، آشفته شده و نوشته است:

"حزب توده ایران... این روزها در روزنامه خود به آقای بنی - صدر، که بخش مهمی از فعالیت های علمی و مبارزاتی خود را در جهت شناخت ساز و کارهای سلطه و روش مبارزه با آن را تصدیق کرده اند درس استقلال می دهد..."

از قرار "گناه غیر قابل بخشایشی" انجام گرفته است که یک حزب سیاسی مانند حزب توده ایران، یعنی حزبی با سابقه "چهل ساله و تجربه ای بس غنی، که به قیمت خون گروه عظیمی از بهترین فرزندان خلق به دست آمده، حزبی که مظهر تفکر جمعیتی، اظهار نظر جمعی و تصمیم جمعی است، بر اساس مبنای اصولی و انقلابی خود و با احساس مسئولیت کامل در برابر مردم، انقلاب و میهن خویش، در باره مسائل مللکتی، آن هم مهمترین مسئله کنونی جامعه ما - استقلال - نظر، برداشت و درک خود را بیان کرده است!

ولی پس کو آن ادعای "آزادی - خواهی"؟! این چه نوع آزادی است که وقتی حزب توده ایران عقاید خود را بیان می کند، باید با چماق های گوناگون دهانش را بست؟! حزبی درس گرفت، ولی ما البته قصد درس دادن به کسی را نداریم. ما

# دربارۀ استقلال و وابستگی، دوستان و دشمنان انقلاب

پیرامون سرمقاله روزنامه «انقلاب اسلامی» مورخ ۲۰ بهمن ماه ۵۹ ۲

گویا ابرقدرت ها (آمریکا و روسیه!) روش مشابه و سیاست مشابهی در برابر انقلاب ایران دارند و گویا برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، نیازی نیست که ایران انقلابی دوستان و متحدین خود را بیابد.

ببینیم شعار استقلال در دوران قبل از انقلاب و در حال حاضر چه محتوایی و چه مخالفانی داشته است: ۱- در واقع هم اساسی ترین و عمده ترین خواست مردم ایران در انقلاب بزرگ خود استقلال بود. عمده ترین وظیفه های که این انقلاب داشت و دارد، ریشه کن کردن همه عوامل و ایجاد وابستگی و استقرار کامل و بی خدشه استقلال در همه شئون سیاسی و اقتصادی و نظامی و فرهنگی و غیره است. خصلت عمده انقلاب ما هم، از همین رو، خصلت ضد - امپریالیستی آن است. این حقیقت نه فقط برای "دوران قبل از انقلاب"، که برای امروز هم صادق است.

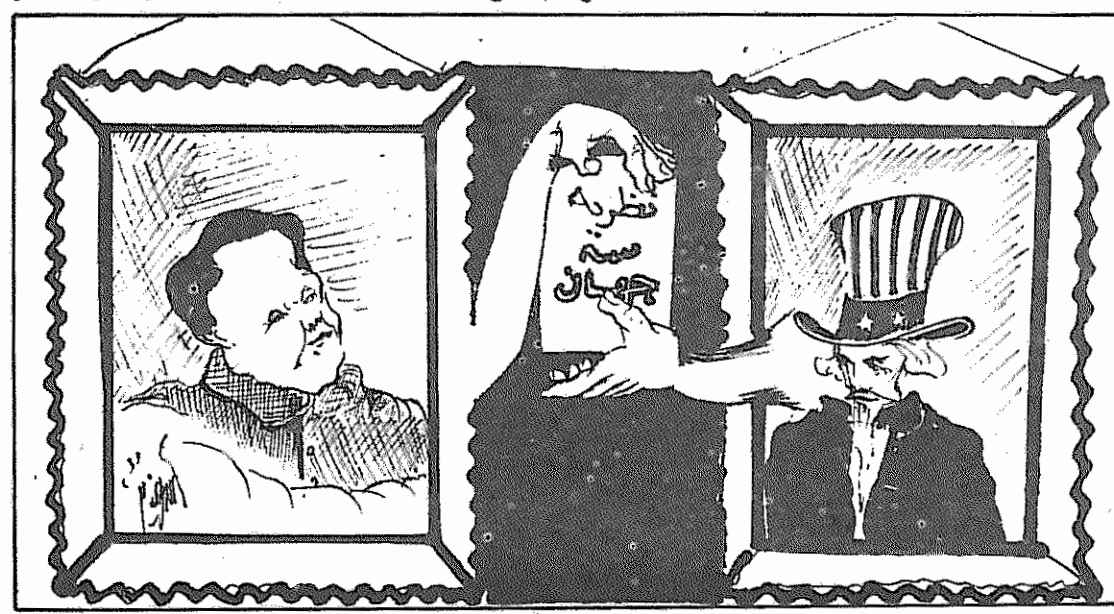
اکنون هم اگر این خصلت از انقلاب سلب شود، نیست خواهد شد و دیگر از آن تنها به عنوان یک واقعه تاریخی گذشته می باید یاد کرد. ولی چون انقلاب ما زنده است و پیوسته و در راه استقلال می زید و قطع وابستگی ها را می طلبد، واقعیت شکوهمند عصر ما باقی است و باقی خواهد ماند. استقلال،

این خواست عمده مردم ایران، باید تمام و کمال به کرسی بنشیند و همه جنبه های وابستگی را از بین ببرد، تا انقلاب به پیروزی قطعی و نهایی برسد. هرگونه جانسخت کردن شعار "استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی" با شعار "آزادی، استقلال، جمهوری اسلامی"، که رسم اغلب نویسندگان روزنامه "انقلاب اسلامی" است، هرگونه سربوش گذاشتن بر عمده ترین خواست مردم ایران و کوشش برای "اعتدال و میانه روی"، که زمینه ساز سازش و تسلیم است، هرگونه مماشات با امپریالیسم برای باقی نگه داشتن رشته های آشکار یا پنهان وابستگی، زیر هر عنوانی، با انقلاب مغایر است. ۲- در واقع هم، طرح این شعار

از جانب مردم ما در دوران انقلاب "مقابله رودر رو با منافع آمریکا" بود، زیرا امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، کشور ما را وابسته و استقلال ما را نابود کرده بود، زیرا آنچه میبایست ریشه کن شود، درست همین وابستگی همه جانبه با امپریالیسم آمریکا بود، که بتدریج، در نیم قرن اخیر، و بویژه در دوران سلطه - سوم ۲۵ ساله محمدرضا، به دشمن اصلی مردم ایران و استقلال شکن شماره یک بدل شده بود. در آن زمان، یعنی در دوران قبل از انقلاب، هر شعار انحرافی آبی بود که به آسیاب آمریکا ریخته میشد، و میلیون ها مردمی که یکدل و یک زبان فریاد میزدند: "بعد از شاه نوبت آمریکا است"، بدرستی میدانستند که دشمن اصلی در کجاست و عمده نیرویی که میهن ما را وابسته کرده کیست و زنجیرها را در کجا باید قطع کرد. این حقیقت نه فقط برای "دوران قبل از انقلاب"، که برای امروز هم صادق است.

اکنون نیز هیچ نیروی وابسته کننده دیگری بجای آمریکا ننشسته و هیچ پیوند استقلال شکن دیگری جانسخت رسته های ایران بر بادده وابستگی به آمریکا نشده است. هر چه هست، همان رشته ها یا بقایای همان رشته هاست، که باید قطع شود. اکنون نیز "مقابله رودر رو با منافع امپریالیست"، که در جامعه ما مطرح است، توطئه های پیاپی آمریکا در عرصه های بسیار مختلف سیاسی و دیپلماتیک و اقتصادی و نظامی و جنگی و کودتایی و تبلیغاتی و براندازی و غیره علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، گواه غیر قابل انکار بر این "مقابله رودر رو" است.

۳- در واقع هم در دوران قبل از انقلاب، کسانی بودند که میخواستند مماشات شود، با منافع آمریکا مقابله نشود. آنها خواست استقلال و قطع وابستگی به امپریالیسم آمریکا را اصولا عملی نمیدانستند و طرح چنین خواستنی را در جهت "خواستهای ابرقدرت روسیه!" می - شمردند. آنها، حداکثر میخواستند از



برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

برخی "زیاد مریه ها" خودداری شود. حرف آنها این بود، که "اگر مستقل شویم، بدامان روسیه خواهیم افتاد! اگر رشته های پیوند با آمریکا را قطع کنیم، باید رشته های پیوند با روسیه را برقرار کنیم!" در فکر آنها، هیچ رابطه ای جز رابطه وابستگی نمیتوانست بگنجد. آنها میگفتند "پس ما که نمیتوانیم و نباید مستقل شویم، بهتر است به چاه کمونیس (ل) درنیفتیم. همین چاله (ل) وابستگی به آمریکا بهتر است! مخالفت آنان با شعار استقلال طلبانه مردم، با بهانه شوروی - ستیزی، مخالفتی بود با انقلاب ایران و با گوهر اصلی آن. این حقیقت نه فقط برای "دوران قبل از انقلاب"، که برای امروز هم صادق است.

اکنون نیز زیادند کسانی که برای توجیه سیاستهای سازش طلبانه خود و همکاری "دوستانو منصفانه" با آمریکا همان بهانه را می آورند و میگویند: "دشمنی با آمریکا نباید موجب این توهم گردد که دشمن ما یعنی روسیه، طرفدار استقلال و آزادی ایران است!"

(سرمقاله ۲۰ بهمن ۵۹ روزنامه انقلاب اسلامی) حالا چنین کسان پر شمارتر از دوران قبل از انقلاب شده اند و حتی در سرمقاله روزنامه انقلاب اسلامی هم مطلب مینویسند که کفایت به صف پر جنجال لیبرال ها و به طیف وسیع مائوئیستهای رنگارنگ، به سخنان آنها و به جراید پر شمار آنها توجه کنید، تا ببینید که اکنون نیز همان "شگرد" دوران انقلاب وسیع با کار گرفته میشود. آنان برای توجیه سازش با آمریکا و دست کشیدن از انقلاب، میگویند: هر قدر می که بردارید، "به نفع خواستهای روسیه است!" انقلابیون موقت و وسیع از "لولو خور خور کمونیس" و از مترسک "خطا ابرقدرت روس" و از شانسی "القاء ایدئولوژی" استفاده میکنند.

کفایت فقط یک هفته روزنامه "انقلاب اسلامی" را ورق بزنید. در تمام شش روز "قاطانه" همین روش دنبال میشود. تمام اقدامات انقلابی و نظریات انقلابی بنیادی، که در جهت نبرد با آمریکا و قطع این و یان رشته وابستگی و پا کوشش برای پیدا کردن دوست و متحدین و به منظور مقابله رودر رو با منافع آمریکا انجام شده، "در جهت خواستهای ابرقدرت روسیه!" تا با

آن مخالفت شود. حتی کفایت همان شماره ۲۰ بهمن ۵۹، را بخوانید و به تداوم "بیگیر" این روش آشنا شوید. اصلا چرا دور برویم. خود همین سر - مقاله را، که تنها چند جمله نخست آن بصورتی استثنائی، درست نوشته شده، بخوانید، تا ببینید بدنیال همان چند جمله استثناء درست که (لا بد برای قابل هضم کردن و القاء سایر مطالب نادرست و مخدوش آورده شده) طی چند ستون، آمیخته های از فرمایشات لیبرالی و شعارهای مائوئیستی بخورد خواننده داده میشود، با این مضمون که "دشمن ما روسیه!" است و هر که جز این بگوید، "وابسته!" است و روسیه هم مثل آمریکا نمیتواند با ما "مصالح مشترک" داشته باشد. و این همه، تنها و تنها بدین خاطر که، تمام قلمها و قریاها از سوی آمریکا منحرف شود، شعار "آمریکا دشمن اصلی است" لوت گردد، برای شیطان بزرگ آمریکا شریک جرم تراشیده شود بالاخره در پایان "یواشکی" به این نتیجه رسیده شود، که بهتر است با آمریکا "قرارداد های منصفانه" ببندیم. این درست تکرار همان کاریست که در دوران قبل از انقلاب کسانی انجام میدادند و شعارهای ضد امریکائی را بسود شوروی وانمود میکردند، و به ارزیابی خود سرمقاله نویسنده "بکلی از صحنه سیاست کنار رفته اند و حتی فراری شده اند". حیف که از این درس بر ارزش و از آن سرنوشت تلخ نتیجه لازم گرفته نمیشود.

اما قایبان لیبرال ها، نه مطابق درسهای تاریخ، بلکه بر شالوده منافع و بنا به ماهیت طبقاتی خود عمل می - کنند. آنها می بینند که برای موفق شدن در نقشه های مسخ انقلاب تنها راهی که دارند اینست که، مردم در شعارهایشان آمریکا را زیاد ببرند، راه تسلیم سازش را، با ایجاد مترسک های بقیه در صفحه ۶ -



شرکت دخانیات ایران یکی از بخش های مهم کشاورزی-صنعتی و اقتصادی کشور است. از مهم ترین واحدهای این بخش، مهم اقتصادی، واحد صنعتی آن شامل کارخانجات آماده سازی برگ توتون در شهرستان های گرگان، ساری، رشت و ارومیه و کارخانه های تهیه تنباکو و توتون چیق و نیمکوب در اصفهان و سمنان و واحد بزرگ صنعتی تولیدی ساخت انواع سیگار در مرکز است.

در مجموعه این بخش بزرگ اقتصادی نزدیک به سی هزار کارگر و ده هزار کارگر و کارمند به کار مشغولند و حدود پنج هزار نفر عامل فروش در سراسر کشور، توزیع فرآورده های دخانیات را برعهده دارند. بزرگترین واحد صنعتی شرکت دخانیات ایران، مجتمع بزرگ صنعتی کارخانم های مرکز است، که تنها واحد تولید انواع سیگار در سطح کشور است. در این مجتمع بزرگ صنعتی، شامل کارخانه های چاپ و گرا و رسازی، کارتن سازی، جعبه سازی، درودگری، برق و بخار و تهیه، تعمیرات و نوسازی قطعات، انبارهای فنی و انبارهای نگهداری کالای خام، تهیه و تولید انواع سیگار و بسته بندی، نزدیک به سه هزار و دویست کارگر مشغولند که اکثر آنان را کارگران مرد تشکیل میدهند. تعداد کارگران زن شاغل در قسمتهای مختلف کارخانه ها نزدیک به ۳۲ نفر است. علاوه بر این تعداد کارگر، حدود نهمصد نفر کارمند زحمتکش هم در سازمان های مختلف شرکت دخانیات ایران در مرکز، مشغول بکارند.

وسعت کارخانه ها، تعداد کارکنان (کارگر و کارمند) تنوع و کیفیت کار (کشاورزی-صنعتی و اقتصادی) نشان دهنده اهمیت این بخش اقتصادی است، که در عین حال، مستلزم توجه بیشتر به وضع کارکنان در این واحد بزرگ صنعتی و مرتبطین (کشاورزان و پیشه وران) با این رشته صنعتی در جامعه نیز هست.

### کشت و صنعت دخانیات

#### در دوران طاغوت

سیاست رژیم پهلوی در مورد کشت و صنعت دخانیات، مانند سایر رشته های کشاورزی و صنعتی، بر اصل وابستگی کامل استوار بود. کشاورزی و صنعت دخانیات، که تا پانزده سال قبل، علاوه بر آنکه خود کفا بود، آمادگی برای صدور کالای خام و فرآورده های حاضر به مصرف دخانیات را نیز داشت، در سالهای آخر عمر رژیم طاغوتی، بیش از پنجاه درصد مصرف داخل کشور، بصورت ساخته شده از خارج وارد می شد و بدین ترتیب، علاوه بر خروج مبلغ قابل ملاحظه ای از کشور، مزایای کشت توتون نیز به بیگانه کشیده شد و کارگران ایرانی نیز بیگانه شدند. محصول توتون ایران، که در سال ۱۳۴۴ بیش از بیست هزار تن و در سال ۱۳۵۱ نزدیک به بیست هزار تن بود، در سال ۱۳۵۷ یعنی در سال پایانی عمر رژیم طاغوت، اندکی از هشت هزار تن تجاوز کرد. در برابر این کاهش محصول، که نمودار سقوط کشاورزی کشور و از هستی ساقط شدن کشاورزان بود، واردات و فروش انواع سیگار خارجی، که در سال ۴۵ تقریباً صفر بود، در سال ۵۱ نزدیک به ۴۶ میلیون نخ و در سالهای آخر عمر رژیم پهلوی در نتیجه این سیاست خانمان برانداز و مملکت بر باد ده به میزانی نزدیک به ۱۲ میلیارد نخ بالغ شد، که این مقدار نزدیک به نصف مصرف داخلی بود.

#### وابستگی دخانیات به منابع امپریالیستی

در نتیجه سیاست کالی وابستگی به کشورهای امپریالیستی، صنعت دخانیات ایران در رژیم سرنگون شده پهلوی، تماماً به خارج وابسته بود. کلیه مواد خام مصرفی، غیر از برگ توتون، از کشورهای خارجی خریداری میشد و هرگونه طرح و پروژه ای که از طرف افراد لیسون برای قطع وابستگی ها تهیه و ارائه میشد، در نطفه خفه میگردد. کلیه استعدادها و ابتکارات، بر اثر بی اعتنائی دستگاه بی اثر میماند. با وجود

مجهز بودن کارخانه ها به ماشین و کارگران ورزیده، به کارگران برای ساختن قطعات یدکی میدان داده نمیشد، و بدین ترتیب، ساده ترین قطعات ماشین، با هزینه گزاف، از کشورهای امپریالیستی وارد میشد. با اینکه کارگران و متخصصین ایرانی همیشه آمادگی خود را برای اداره این صنعت اعلام میکردند و بارها شایستگی خود را در زمینه های مختلف و در ارتباط با کارهای فنی روزمره بثبوت رساندند، مع الوصف سعی در این بود که این افراد در پی خسری صنعتی نگه داشته شوند. در موارد مختلف از کارشناسان کشورهای امپریالیستی، که رغبتی برای آموزش کارکنان ایرانی نشان نمیدادند، استفاده میشد، و بدین ترتیب، سعی در این بود که این موسسه بزرگ صنعتی همیشه وابسته و محتاج به کشورهای امپریالیستی باقی بماند.

### دخانیات پس از انقلاب

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، که کارگران دخانیات هم در آن سهمی داشته اند، انتظار میرفت که در همه زمینه های مربوط به دخانیات تحولات بنیادی بوجود آید. ولی اینکه که دو سال از پیروزی انقلاب میگذرد، متأسفانه هنوز هم روال گذشته در این واحد بزرگ صنعتی برقرار و حکم فرماست. نظام داخلی کارخانه، بر اثر تبعیض ها و دوگانگی هایی که تخم آن در رژیم

بودند، در این مرحله از مبارزات، مصرا خواستار ریشه کنی این مظهر امپریالیستی در دخانیات بودند. متأسفانه اجابت این درخواست میهنم کارگران و کارمندان مدتی بطول انجامید و خیانت رژیم گذشته در نگهداشتن این موسسه بزرگ در سطح عدم خود-کفائی اتخاذ تصمیم در این زمینه را با مشکلاتی مواجه ساخت. به لحاظ وجود همین مشکلات و عدم تصمیم گیری به موقع مسئولان فنی شرکت، بازار مصرف کالاها دخانیاتی دچار کمبود و آشفتگی وحشتناکی شده، که کماکان ادامه دارد.

اخیراً برای رفع کمبودها و تأمین مصرف داخلی، قراردادی با کشور سوسیالیستی بلغارستان منعقد شد، که بر اساس آن، با همکاری بلغارستان و استفاده از تکنولوژی این کشور، سیگارتی بنام "زادی" ساخته و به بازار عرضه شد و سیگارت دیگری بنام "بهمن" نیز وارد بازار شده است.

گذشته از این مورد، سیگارت دخانیات ایران در کلیه موارد دیگر به کشورهای امپریالیستی وابسته است، که این وابستگی هنوز ادامه دارد. کشورهای اروپای غربی، که در گذشته عرضه کننده مواد و تجهیزات مورد مصرف دخانیات بوده اند، بدستور آمریکای جهانخوار، دخانیات ایران را سخت تحت فشار اقتصادی قرار داده اند. آنها در عرضه کالا مشکلات فراوانی

هم به آن اضافه شود، تعداد کارگران شاغل در مرکز نزدیک به سه هزار و دویست نفر میشود، که از این تعداد نزدیک به ۳۲۰ نفر زن هستند. کارگران که در شرایط سخت و توانفرسای بکار اشتغال دارند، با مشکلات و مسائلی روبرو هستند، که اهم آن ها بشرح زیر است:

### شورا و سندیکا

تاکنون شورای کارگران در کارخانم های دخانیات تشکیل نشده و اقدامی هم در این زمینه بعمل نیامده است. کارگران خواستار تشکیل شورای واقعی در کارخانه هستند و عقیده دارند که در صورت تشکیل شورا، مشکلات کارخانه را بطور جمعی و بر اساس تفاهم حل خواهند کرد. و اساساً جلوی بی نظمی ها را خواهند گرفت و به بی سروسامانی و نارسائی های موجود خاتمه خواهند داد. کارگران همچنین خواهان تشکیل سندیکای واقعی، متشکل از نمایندگان کلیه قسمتها هستند. آنان از اینکه در بعضی موارد مسئولین امر وظایف شورا و سندیکا را با هم مخلوط میکنند، ناراحتند و می گویند که نداشتن سندیکای واقعی همگانی، موجب عدم آگاهی مسئولان امر بشرايط کار و حقوق صنفی آنان است.

و پرسنل کافی برای مواقع ضروری است. در مانگاه آمبولانس وجود ندارد. اگر کارگری دچار سانحه گردد، در محل درمانگاه مداوای اولیه هم مقدر نیست و باید منتظر ماند، تا برای انتقال کارگر مثلاً به بیمارستان راه آن آمبولانس به دخانیات بیاید. چه بسا که در فاصله زمانی رسیدن آمبولانس، کارگر سانحه دیده با خطرات غیر قابل جبران مواجه شود. چندی قبل که کارگری در حین کار دچار انفکتوس شده بود، تا رسیدن آمبولانس و انتقال به بیمارستان، جان خود را از دست داد. کارگران میخواهند که به وضع درمانگاه دخانیات سروسامانی داده شود و نارسائیهایی موجود هر چه زودتر برطرف گردد.

### ناهار خوری کارگران

بعلت شرایط خاص کار در کارخانم های دخانیات، در اکثر کارخانجات دخانیاتی دنیا، سعی بر اینست که لااقل یک وعده غذایی گرم به کارگران داده شود. در کارخانه های شرکت دخانیات ایران هم از ابتدای تاسیس این نظر رعایت شده است. در حال حاضر محیط ناهار خوری کارگران بهداشتی نیست و نظافت رعایت نمیشود. نحوه طبخ و کیفیت غذای تهیه شده در این واحد که اکثر کارگران از این وضع دچار ناراحتی های معدی و دستگاه گوارش هستند. به همین جهت ترجیح میدهند که از غذاهای دخانیات استفاده نکنند و برای ناهار خود به بازارهای اطراف قهوه خانه ها و دکاهای ساندویچ فروشی اطراف دخانیات استفاده کنند، که ادامه این امر خود موجب بروز ناراحتی های دیگری برای کارگران خواهد شد. کارگران مستمراً به وضع ناهار خوری و کیفیت غذای تهیه شده اعتراض میکنند، ولی اعتراض آنان متأسفانه تاکنون بجائی نرسیده است. کارگران جدا خواهان تغییر وضع ناهار خوری و کیفیت غذای روزانه خود هستند و عقیده دارند، با اعتباری که برای تهیه غذا در نظر گرفته میشود، تغییرات اساسی در وضع موجود امکان پذیر است.

### شیر خوارگاه دخانیات

به درخواست کارگران زن دخانیات که اکثراً بطور کارمندی و با شرایط سنگین بکار اشتغال دارند، از چند سال قبل محلی بنام شیر خوارگاه در محیط کار کارگران تاسیس شده است. هم اکنون نزدیک به چهل نفر از کارگران زن، از ساعت شش صبح، که در محل کار حاضر میشوند، نوزادان خود را به شیر خوارگاه می سپارند. در فاصله زمانی کار روزانه و پس از هردو ساعت کار، آنها مجازند که جهت رسیدگی و شیر دادن به فرزند خود به شیر خوارگاه بروند. ولی شرایط بدکار موجب میشود که این سادزان نتوانند، آنطور که باید و شاید، به وظیفه مادری خود برسند. به لحاظ اینکه دستمزد کارگران بطریق کارمندی پرداخت میشود، عدم حضور آنها در محل کار، موجب نارضایتی و کاهشی اعتراض دیگران میشود و مادربه منظور عدم مواجهه با این مشکلات بالا جبار وقت کمی را که باید به تروخاک کردن و شیر دادن فرزندش برسد، باز هم کمتر میکند و آنان میزند. با توجه به اینکه شیر خوارگاه در فاصله قابل ملاحظه ای از محل کار کارگران قرار دارد و ترس و خشک کردن اطفال هم عملاً برعهده مادر گذاشته شده است، کارگران وقت مجاز برای اینکار را کافی نمیدانند و خواهان تجدید نظر در آن هستند.

### مهد کودک

مهد کودک دخانیات از چندی پیش شکل صحیح و مناسبی بخود گرفته و امید میرود که با استخدام یک خانم متخصص در امر مهد کودک، وضع آنجا بشکل محیط آبرومندی درآید، که با اصول متداول مهد کودکهای بهداشتی - آموزشی منطبق باشد، و از این راه فرزندان کارگران دخانیات در رفاه باشند و با اصول صحیح نگهداری و

### شرايط کار، دستمزد و مزایا

در شرایط و ساعت کار و دستمزد و مزایای کارگران کارخانه های مرکز، اختلافات فاحشی بچشم می خورد. تبعیضات ناروای حاکم بر محیط کار، موجب ناراحتی بحق کارگران است. میزان دریافتی کارگران، چه از نظر حقوق و چه از نظر مزایای مربوط به شرایط کار، فوق العاده تفاوت دارد و کارگران از این نظر ناراضی هستند. آنها مراتب نارضایتی و اعتراض خود را، چه در رژیم گذشته و چه در شرایط بعد از انقلاب، مکرراً به اطلاع مسئولین امر رسانده اند، ولی متأسفانه تاکنون کوچکترین قدمی در زمینه رفع تبعیضات موجود در کارخانه و در جهت یکنواخت کردن شرایط ساعت کار و پرداخت میزان دستمزد و مزایای مساوی به کارگران برداشته نشده است. همین امر به میزان قابل ملاحظه ای از بازدهی کار کارگران میکاهد. کارگران خواهان رفع تبعیضات موجودند.

### سالم سازی محیط کار

#### و پیشگیری های درمانی

محیط کار کارگران دخانیات آلوده و سمی است. به همین لحاظ کارگران با خطر ابتلا به امراض ناشی از شرایط کاری خود مواجه اند. برای پیشگیری امراض و خطراتی که آنان را تهدید می کند، از طرف کارفرما اقدام موثری نمیشود. کارگران مصراً تقاضا دارند که برای پیشگیری امراض، در فواصل زمانی معین معاینه کلی از آنان بعمل آید و آن تعداد از کارگران، که بر اثر خیانت رژیم گذشته و بدست سوداگران مرگ این رژیم، مبتلا به مواد مخدر شده اند تحت درمان قرار گیرند و محیط کار و اطراف دخانیات از وجود قاچاقچیان حرفه ای پاک شود.

### بهداری دخانیات

کارخانه دخانیات، که نزدیک به سه هزار نفر کارگر و کارمند شاغل دارد، فاقد بهداری و درمانگاه مجهز است. درمانگاه فعلی فاقد هرگونه وسیله

ایجاد می کنند و از تحویل لوازم یدکی ماشینها خودداری میکنند. هم اکنون که نیاز مبرم به راه اندازی و استفاده از کلیه ماشین های تولید سیگار وجود دارد، تعدادی از ماشین ها، به جهت دردست نبودن لوازم یدکی، بیگزار مانده اند. با اینکه امکان ساخت قسمت بیشتر لوازم مورد نیاز در داخل کارخانه بوسیله کارگران و یا متخصصین ایرانی در خارج از دخانیات، میسر است، ولی هنوز اقدام مثبتی در این زمینه صورت نپذیرفته است.

### پاکسازی در دخانیات

پاکسازی واقعی در دخانیات به هیچ وجه انجام نشده است. مسئولان دخانیات پاکسازی در این واحد بزرگ اقتصادی کشور را به بازنشسته نمودن تعدادی کارمند و کارگر بسنده کرده اند، که آنهم بر روال عادی بوده است. در حالی که عناصر ضد انقلابی با وقاحت تمام فعالیت خود را تشدید کرده اند و در بین کارگران و کارمندان به تحریک و شایعه پراکنی علیه انقلاب مشغولند. مسئولان امر در دخانیات برای نمونه نام یکی از ساواکیها را هم افشا نکردند. کارگران و کارمندان از خود می پرسند که: آیا ممکن است در چنین واحدی، که نزدیک به ده هزار نفر کارگر و کارمند شاغل دارد، یک نفر ساواکی هم در آن وجود نداشته باشد؟ آنان چندی قبل طی طومارهایی که به امضای اکثریت کارگران رسیده است، از مسئولان دخانیات افشای اسامی ساواکیها و پاکسازی دخانیات را از عناصر وابسته به رژیم گذشته و مخالف انقلاب خواستار شدند. ولی متأسفانه تاکنون به این خواست کارگران ترتیب اثر داده نشده است.

### مسائل کارگران

#### کارخانه های مرکزی دخانیات

در کارخانه های مرکزی دخانیات نزدیک به ده هزار و هفتصد کارگر بکار مشغولند. چنانچه تعداد کارگران شاغل در انبار مواد خام واقع در نازی آباد

## در شرکت دخانیات چه میگردد؟

- \* نداشتن سندیکای واقعی همگانی، موجب عدم آگاهی مسئولان امر به شرایط کار و حقوق صنفی کارگران است.
- \* تاکنون کوچکترین قدمی در زمینه رفع تبعیضات موجود برداشته نشده است.
- \* به وضع درمانگاه دخانیات باید سروسامان داده شود.
- \* اداره شیر خوارگاه و مهد کودک دخانیات باید با اصول متداول شیر خوارگاهها و مهد کودکهای مدرن منطبق باشد.
- \* مسکن، مشکل بزرگ کارگران

### یک نمونه الهام بخش

هیئت واگذاری زمین در استان کرمانشاه که در راه انقلاب کام برمی دارد، با افشای اعمال ضدانقلابی و کارشکنانه فئودالها و برخی از متنفذین و نیز اقداماتی که این هیئت تا قبل از تعویق موقتی بند "ج" در زمینه مصادره اراضی انجام داده، نمونه ایست از فعالیت پرثمر این نهاد انقلابی در سراسر کشور.

در اطلاعاتی که هیئت منتشر کرده، آمده است:

"هیئت واگذاری زمین استان کرمانشاهان با وجود توطئه های بسیار شدید و منسجم فئودالها و عوامل آنها اعم از بعضی متنفذین و ایادی آنها و با وجود تهدیدها و بعضا ایجاد درگیری توسط همین عوامل و نیز گسترش جنگ تحمیلی در تعدادی از شهرستانهای این استان از جمله گیلانغرب، سرپل ذهاب، قصر شیرین، نفت شهر و سومار و نیز وجود جوانان مناسب دریاوه و متاسفانه کارشکنی بعضی نهادها و متنفذین شهری که بدون توجه به مصالح منطقه نه تنها با این هیئت همکاری نکرده بلکه مبادرت به تضعیف و تهدید این هیئت نیز نموده و مینمایند، لیکن با این همه این هیئت توانسته است با اتکا و اتکال به خدای بزرگ فعالیت های زیر را انجام دهد.

۱- واگذاری موقت زمینهای بزرگ مالکی به خوشنشینان بر اساس تصمیمات متخذه هیئت و با توجه به آئین نامه مصوبه شورای انقلاب به ترتیب زیر:

الف- شهرستان کرمانشاه	۳۵۵۰۰ هکتار
ب- شهرستان سنقر و کلیای	۱۴۶۰۰ هکتار
ج- شهرستان هرسین	۱۲۶۲۵ هکتار
د- شهرستان اسلام آباد	۱۸۰۰ هکتار
ه- شهرستان کنگاور	۷۲۰۰ هکتار
و- شهرستان صحنه و دینور	۳۵۱۰ هکتار
ز- شهرستان	۶۰۰۰ هکتار

۲- واگذار نمودن ۸۳۲/۷۲۰۰ هکتار زمین به ۳۰ طرح تولیدی با کمک اداره کل کشاورزی و تعاونی روستایی.

۳- تحقیق و بررسی و تأیید حدود ۷۰ فقره وام درخواستی روستائیان

۴- واگذاری موقت حدود ۳۰۰۰ هکتار زمین به جهاد سازندگی جهت کشت، اسکان اهالی دوقریه مورچی و شوربلاغ که با اعمال زور مالک در زمان اجرای افساد اراضی شاهنشاهی از منطقه اخراج شده بودند.

نهاد انقلابی هیئت واگذاری نیاز به حمایت سایر نهادهای انقلابی و کلیه مسئولان متعهد دولتی دارد. باید دست هیئت های ۷ نفری باز گذاشته شود. و زنجیر تعویق موقتی بند "ج" که بر اثر اعمال فشار مالکین عمده و ایادی آنها بسته شده، هرچه زودتر گسسته گردد.

### دست سلف خرها و واسطه ها را، از راه تشکیل تعاونی های مصرف و فروش دهقانی، کوتاه کنیم

بعد از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی، به رهبری امام خمینی، مردم قهرمان ایران، بخصوص زحمتکشان شهر و ده، به جق منتظر ملی کردن بازرگانی خارجی کشور و کوتاه کردن دست واسطه ها و دلالان بزرگ و سرمایه دارهای وابسته از بازارهای کشور و شبکه توزیع و فروش بودند. عواقب تاخیر در اجرای این مهم، از طرفی، فشارهای اقتصادی ناشی از تحریم اقتصادی کشورهای امپریالیستی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، و جنگ تحمیلی رژیم صدام علیه انقلاب و مردم میهن ما، از طرف دیگر، هم اکنون به صورتی حاد بروز کرده است.

به همین جهت است که ماه روز شاهدگرانی ارزاق عمومی، بخصوص ما محتاج ضروری زندگی زحمتکشان میهن هستیم و می بینیم که قیمت محصولات غذایی میوه و همچنین وسایل بهداشتی و غیره مرتبا بالا میرود.

دهقانان زحمتکش میهن مانیز همچون کارگران و زحمتکشان شهری باگرانی، کمبود، احتکار و سودجویی واسطه ها و سلف خرها روبرو گردیدند. عدم استطاعت و تهیدستی این کوخ نشینان باعث گردید که آنها بسیاری از مواد ضروری خود را از زندگی حذف کنند.

از جمله این زحمتکشان، دهقانان منطقه قائنات در جنوب خراسان هستند. جنوب خراسان نه تنها به علت وضع طبیعی خاص خود، بی آبی، کم بارانی و کویری-زلزله خیزی بلکه به علت سلطه دیرینه بزرگ مالکی غارتگر- از جمله مناطقی است که دهقانان آن همواره با فقر و فلاکت زندگی گذرانیده اند. عامل گرانی از یک سو و دستهای واسطه ها و سلف خرها از طرف دیگر، نیز بر سایر عوامل

بدبختی و مشقت آنها، که ارضیه رژیم شاه ملعون است، افزوده گردیده اند. مثلا زعفران که، از محصولات عمده منطقه قائنات و جنوب خراسان است، سال گذشته توسط کشاورزان منطقه، هرمتقال ۲۲۰ ریال به فروش میرسید. ولی در سال جاری قیمت هرمتقال زعفران به ۱۹۰ ریال تنزل کرد. بطور کلی زعفران نسبت به سال قبل کاهش قیمتی حدود ۱۴٪ داشته است. حتی سایر محصولات کشاورزان قائنات نیز بین ۲۰ تا ۳۰ درصد کاهش قیمت داشته است.

به جرات می توان گفت که این ستمی مضاف است که دهقانان مجبورند از یک طرف محصولات کشاورزی خود را ارزانتر از هرسال به واسطه ها و دلالان زالوصفت بفروشند و از طرف دیگر ارزاق زندگی خود را با قیمتی سی گران تر از هرسال خریداری کنند. کشاورزان قائنات به خوبی دریافته اند که اگر دولت محصولاتشان را با قیمتی عادلانه و متناسب با اجناس دیگر خریداری می کرد، آنها مجبور نبودند از ترس اینکه محصولات روی دستشان بماند، آنها را به دلالها و واسطه ها و سلف خرها بی رحم بفروشند.

در دلد های دهقانان زحمتکش دشت بیاض نمونه وار و تکان دهنده است. روستای دشت بیاض جزء بخش جدید خضری از توابع شهرستان قاین است. فاصله این روستا تا قاین ۶۰ کیلومتر و تا شهرستان گناباد ۴۸ کیلومتر است. این روستا ۴ کیلومتر تا حاده شهید پیر چند فاصله دارد. دشت بیاض در سال ۱۳۴۷ بر اثر زلزله شدید و در هم شکند ه ای ویران گردید. ویس از نوسازی، دارای ۲۵۷ خانوار و ۱۰۹۷ نفر جمعیت است. روستا دارای نیازهایی از قبیل آب

لوله کفی و برق است. یکی از کشاورزان، که منبع در آمد دیگری جز کشاورزی ندارد، می گوید:

"من سال پیش از محصولاتش که داشتم، مقداری برای مصرف خانواده ام نگه می داشتم، ولی اصل باگرانی سرسام آور، برای خرید ما محتاج ضروری دیگر مجبور شدم برای خودم چیزی نگه ندارم."

یکی دیگر از کشاورزان می گوید:

"چه می شد همین طوری که قند و شکر و کود و بونج را شرکت تعاونی در اختیارمان می گذارد، تمام ارزاق زندگی را به ما بفروشد و محصولاتمان را هم خریداری کند، تا دیگر ترسی از اینکه روی دستمان بماند و بیوسد، نداشته باشیم و مجبور نشویم حاصل دسترنج خود را به جیب واسطه های از خدایی خبر بریزیم؟"

در واقع این دهقان از ضرورت تشکیل تعاونی مصرف و فروش صحبت میکنند که مسئله ای بسیار حساس و حاد است.

حسین دهقانی دیگر، صحبت می کند:

"اگر در کشور قند و شکر نباشد ما با کشته توت جای میخوریم و از بازار سیاه قند کیلویی ۷۵ ریال نمی خریم، تا به جیب ضدانقلابی ها برود. به هر حال اگر شرکت تعاونی جنسی را به قیمت عادلانه به ما فروخت که هیچ، وگرنه از بازار سیاه چیزی نخواهیم خرید."

دهقانان زحمتکش منطقه قائنات به حق خواستار کوتاه شدن دست سلف خرها و واسطه های زالوصفت هستند. دولت با ایجاد تعاونی های مصرف و فروش و تولید و با تضمین خرید محصولات کشاورزان به قیمت عادلانه، ضربه محکمی بر پیکر این دلالان انگل وارد خواهد ساخت. این تنها راه چاره مبارزه با فعالیت ضدانقلاب در این محدوده و انسجام پشت جبهه است.

### کمبود علوفه برای دام های عشایر

کمبود علوفه، دام های ایلات و عشایر کشور را تهدید به نابودی می کند و مسئولین امر باید هرچه زودتر در این مورد چاره اندیشی کنند. ما در این باره بارها هشدار داده ایم، ولی وخامت وضع ناچار می کند که این مسأله را با زهم یادآوری کنیم.

در دوران دشواری که رژیم جنایتکار صدام، به اشاره و حمایت امپریالیسم جهانی، به سرکردگی آمریکا، به میهن ما حمله کرده، مشکلات زیادی بر مشکلات موروثی رژیم منقور پهلوی افزوده شده است. از جمله مسائل مهمی که در زمینه امور اقتصادی و تولیدی مطرح شده، مسئله کمبود علوفه برای دام های ایلات و عشایر کشور است. این ایلات و عشایر هرساله، با شروع فصل سرما، به نقاط گرمسیر کوچ می کنند. تا علوفه دام های خود را از بیابان های مناطق گرمسیر تامین کنند. ولی امسال با توجه به موقعیت جنگی و وضع خاصی که در این مناطق بوجود آمده است، دامداران نتوانسته اند به آن مناطق کوچ کنند. در نتیجه اثرات کمبود علوفه ظاهر شد و خطر از بین رفتن دام این دامداران بوجود آمد. البته مقامات مسئول و دلسوز و متعهد برخی اقدامات لازم را انجام دادند و نتوانستند

با استفاده از امکانات موجود در استان های مجاور و بسیج ذخائر و منابع موجود، جلوی یک فاجعه را بگیرند. ولی اخباری که می رسد، راضی کننده نیست و حاکی از آنست که تدابیر جدی و مدبرانه باید اتخاذ شود.

به درخواست اخیر اداره کشاورزی استان کرمانشاهان، که تقاضای ۵۰ هزار تن یونجه برای استفاده احشام این دامداران کرده است، باید رسیدگی و پاسخ عملی داده شود.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول، از آن ها می خواهیم که هرچه زودتر جوانب مختلف و متنوع موضوع را بررسی کنند و با ابتکار خلاقه، بنحوی که بتوان بتدریج شالوده یک خودکفایی تولیدی درون کشوری را از نظر علوفه، به منطقه مورد نیاز این منطقه راتامین کنند و اجازه ندهند که سرمایه مملکت به هدر رود، بخصوص آنکه در شرایط جنگی و محاصره اقتصادی کشور توسط آمریکا و کشورهای وابسته به آن، دامداری از اهمیت ویژه ای برخوردار است و تامین مصرف اهالی و قیمت کالاهای مربوط نیز، وابسته به سازمان دادن صحیح تولید در این رشته حیاتی است.

دهقانان ایران، که سهم عظیمی در پیروزی انقلاب و تحکیم دستاوردهای آن دارند، اینک نیز که کشور ما درگیر جنگ تحمیلی رژیم صدام است، از حمایت همه جانبه از رزمندگان انقلاب خودداری نمی ورزند.

یک دهقان واقعه دشتی، از حومه های صومعه سرا، در این باره می گوید:

"تصمیم گرفتیم کمک دستجمعی به مناطق جنگی بکنیم، تا این برادران و خواهران ما تصور نکنند در جنوب که جنگ است، مردم شمال کشور به آن بی توجه هستند. ابتدا چند نفر با هم به مذاکره نشستیم، تا از هر خانوار مقداری کمک دریافت کنیم، ولی بعد پیشنها شد که مقداری کمک را در اختیار هر خانوار بگذاریم. به این ترتیب به ۶۰ خانوار روستای ما مراجعه و کمک های نقدی و جنسی را دریافت کردیم. ما حدود ۵۰ کیلو بونج و معادل ۱۵ هزار ریال پول نقد جمع آوری کردیم. این کمک ها در اختیار ستاد جمع آوری کمک ها به مناطق جنگ قرار گرفته است.

این دهقان دریایان می افزاید:

"برای مبارزه با شیطان بزرگ - آمریکا و همکاران جنایتکار صدام، آماده شروع فداکاری هستیم، تا به رهبری امام خمینی برای آمریکا پیروز شویم. هم اکنون هم تعدادی از فرزندان روستای ما در جبهه های جنگ هستند."



### « اربابها می خواهند که ما مستقل نباشیم و برای آنها کار کنیم »

در روستای مرادان، دهقانان بی زمین در انتظار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند. آنان از ظلم و ستم بیحد و تحریک و تفتین بزرگ مالکان و عدم برخورد داری از زمین به تنگ آمده اند.

روستای مرادان یکی از روستاهای بخش لرد - لردجان خود یکی از توابع بروجرد در استان چهارمحال بختیاری است. در این روستا حدود ۱۰ خانوار خوش نشین زندگی می کنند. این روستا قبان، زحمتکش، سالیان متما دیرست که حاصل زحمتشان نصیب کسانی می شود که هیچ نقشی در تولید محصولات ندارند و تنها از طریق زورگویی و قلدری و تصرف عدوانی به زندگی انگلی خود ادامه می دهند.

دهقانان بی زمین مرادان بی صبرانه در انتظارند که هیئت هفت نفری، به دور از تفتین و فریب بزرگ مالکان و با قاطعیت شایسته این هیئتها قانون اصلاحات ارضی را اجرا و محرومان را صاحب زمین کند.

یکی از دهقانان بی زمین خواست بحق خود را چنین ابراز می کند:

"... می خواهیم که به ما زمین بدهند تا کشاورزی کنیم، چون روستای مرادان زمین های مرغوب زیادی خواهد شد.

دارد ولی اربابها به ما نمی دهند و می خواهند که ما مستقل نیاشیم و برای آنها و برای زمین آنها کار کنیم.

هیئت های ۷ نفری در راه بزرگی گام نهاده اند. آنان مجریان کار عظیمی شده اند. هیئتها خود بر این امر وقوف کامل دارند و در اکثر مناطق در تدارک انجام این امر خطیر یعنی اجرای کامل قانون اصلاحات ارضی هستند. اعضاء هیئتها باید هوشیاری لازم و دقت کافی را مبذول دارند تا عوامل و ایادی بزرگ مالکان در صفوف آنها نفوذ نکنند و خود نیز تحت تاثیر فریبها و مکرهای این چپاولگران واقع نگردند. و از هرگونه تندروی نیز بپرهیزند. خرده مالکان و آنهایی که تا سه برابر عرف محلی زمین دارند، ابتدا نباید مورد تعرض قرار گیرند. بزرگ مالکان مصمم شده اند که ماهیت وظیفه سترک هیئتها را مسخ کنند و آنها را مورد انواع تهدیدها قرار دهند و دهقانان محروم را نسبت به هیئتها بدبین کنند. نقایق و دشمنی بیاندازند و روغن بینی هیئتها را مسموم کنند. توطئه ها خواهد شد.

**کمک دهقانان**  
**واقعه دشت**  
**به رزمندگان انقلاب**

★ « برای مبارزه با آمریکا آماده هر نوع فداکاری هستیم »

دهقانان ایران، که سهم عظیمی در پیروزی انقلاب و تحکیم دستاوردهای آن دارند، اینک نیز که کشور ما درگیر جنگ تحمیلی رژیم صدام است، از حمایت همه جانبه از رزمندگان انقلاب خودداری نمی ورزند.

یک دهقان واقعه دشتی، از حومه های صومعه سرا، در این باره می گوید:

"تصمیم گرفتیم کمک دستجمعی به مناطق جنگی بکنیم، تا این برادران و خواهران ما تصور نکنند در جنوب که جنگ است، مردم شمال کشور به آن بی توجه هستند. ابتدا چند نفر با هم به مذاکره نشستیم، تا از هر خانوار مقداری کمک دریافت کنیم، ولی بعد پیشنها شد که مقداری کمک را در اختیار هر خانوار بگذاریم. به این ترتیب به ۶۰ خانوار روستای ما مراجعه و کمک های نقدی و جنسی را دریافت کردیم. ما حدود ۵۰ کیلو بونج و معادل ۱۵ هزار ریال پول نقد جمع آوری کردیم. این کمک ها در اختیار ستاد جمع آوری کمک ها به مناطق جنگ قرار گرفته است.

این دهقان دریایان می افزاید:

"برای مبارزه با شیطان بزرگ - آمریکا و همکاران جنایتکار صدام، آماده شروع فداکاری هستیم، تا به رهبری امام خمینی برای آمریکا پیروز شویم. هم اکنون هم تعدادی از فرزندان روستای ما در جبهه های جنگ هستند."



# یادی از شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا

(بهمنماه هجرت هزاره میلادش)



بوعلی پنهکام اختفاء در خانه ابوغالط عطار و در خانه یکی از سادات علوی همدان و سپس در قلعه «فردجان» انجام داده و این کتاب عظیم را گاه بدون مراجعه به منابع و یا سرعتی حیرت آور تالیف کرده است.

بخارا را ترک گفت و به شهر گرگانج، پایتخت خوارزمشاهیان (سلسله مامونی) رفت، در شهر بخارا گذشت. آنجا او نزد ابو عبدالله ناطلی و عیسی بن یحیی پزشک، مقدمات علم متداول عصر و پزشکی را آموخت.

در کشور ما، در سال ۱۳۳۱، هزاره بوعلی برپا شد، باین حساب که شیخ در صفر ۳۷۰ متولد شده است. اروپائیان تولد شیخ را در ۹۸۰ میلادند. لذا در سال هشتاد چار، هزار سال از میلاد بوعلی می گذرد. این یک تفاوت قوی می است. به علاوه تاریخ دقیق تولد ابوعلی سینا را بر خیبا حتی در ۳۷۵ نوشته اند. در این کار ضرری نیست. از چنین دانشمندی، هر چه تجلیل شود، کم است.

کتابهایش در طب همه عربی است، که از همان سده های میانه شهرت جهانی یافته و فلاسفه نامدار باختر، مانند راجر- یکن و قدیس تفاس اهل آکوئیناس و قدیس اوگوستین فیلسوف مسدرسی آلمانی، تحت تاثیر این آثار بوده اند. این سینا خود از نمایندگان نوزائسی (رفسانس) مشرق زمین و از رهکشایان رنسانس باختری است.

حاکم از آنست. خردگرایی این سینا و علاقه و تبحرش در علوم طبیعی عصر (از طب و کائنات جو و کون و فساد و سماع طبیعی و آثار جلوی و معادن و علم النفس (روانشناسی) و نباتات و طبایع الحیوان و غیره) و عشقش به ریاضیات و هیت، او را در ستیغ دانش عصر قرار میدهد و در دورانی که این امور خریدار کم داشت و چنین راهکشائیها برای سیر بعدی معرفت انسانی ضرور بوده، اهمیت آن انکارناپذیر است.

بیان نظرات این سینا در یک مقاله مجمل در روزنامه محال است، زیرا این کار موجب تلخیص بی رویه و مسخ این افکار میشود. اما در این بحث که آیا این سینا تنها مقلد و مترجم آثار ارسطو است یا خود مبتکر است، مطلب از دیرباز روشن است. تردید نیست که این سینا و فارابی مباحث و مقولات و استدلالات فلسفی را بطور عمده از ارسطو و تا حدی، نادانسته، از افلاطون گرفته اند، ولی بویژه در این سینا جوهر استدلال مستقلانه قوی است و همه فلاسفه اسلامی، مانند گندی و فارابی و ابن سینا و ابن رشد سعی داشته اند که فلسفه یونان را با دیانت اسلام سازگاری دهند و در این کار ابن سینا نیز سخت کوشیده است. با آنکه بعلم قبول برخی آراء ارسطو، بعدها مورد انتقاد برخی از متکلمین (مانند غزالی) قرار گرفته، ولی برخی دیگر (مانند فیلسوف و متکلم اثناعشری، خواجه نصیرالدین طوسی) از او دفاع کرده اند و بهر جهت، با احتمال قریب به یقین، ابوعلی با نگارش کتاب «حکمة المشرقین» (که اینک اوراق جزئی از آن در دست است) گویا می خواسته است آراء مستقلانه خود را بیان دارد و ظاهرا در این آراء تمایل او به حکمت اشراقی بیش از حکمت مشائی و ارسطویی است و تمایلات عرفانی داشته که رساله «حرفین بظن» و قصیده عربی «ورقاع»

مردم ایران و تاجیکستان و افغانستان و خلغهای عرب همه بدلائل مختلف به ابن سینا بعنوان یکی از سالاران فرهنگ خویش می یابند، و اصولا او از مفاخر انسانیت است. بیجا نیست که نامش را در کنار نام ارسطو می گذارند و ما ایرانیان جا دارد که با مباحث و رزم و بویژه خردگرایی و دانش دوستی و کار و کوشش شگرف را از این داهی کم همال در تاریخ فرهنگ اسلامی فراگیریم.

بوعلی پنهکام اختفاء در خانه ابوغالط عطار و در خانه یکی از سادات علوی همدان و سپس در قلعه «فردجان» انجام داده و این کتاب عظیم را گاه بدون مراجعه به منابع و یا سرعتی حیرت آور تالیف کرده است.

تسلط محمود، به خوارزم، از آنجا بگریزد این سینا از راه گرگان و ری به همدان رفت. در نزد امیر شمس الدوله دیلمی در همدان به وزارت رسید. پس از مرگ امیر در ۴۱۲، در زمان امیر سماء الدوله دیلمی، سرپازان بعلم مسائل مالی و شاید در اثر تحریکات سلطان غزنوی، بر او می شورند، زیرا وی را مقصر عدم پرداخت بیستگانی لشکر می شمردند. سماء الدوله او را در قلعه «فردجان» حبس می کند و گویا این گرفتاریها و حبس در قلعه «فردجان» دو سال بطول می انجامد. ابوعلی جوزجانی، شاکرد نزدیکش (که در سال ۴۰۳ در گرگان با وی دوست و نگارنده شرح زندگی بوعلی است) می گوید که تالیف عمده فلسفی خود (یعنی شفاء در فلسفه) را

در کشور ما، در سال ۱۳۳۱، هزاره بوعلی برپا شد، باین حساب که شیخ در صفر ۳۷۰ متولد شده است. اروپائیان تولد شیخ را در ۹۸۰ میلادند. لذا در سال هشتاد چار، هزار سال از میلاد بوعلی می گذرد. این یک تفاوت قوی می است. به علاوه تاریخ دقیق تولد ابوعلی سینا را بر خیبا حتی در ۳۷۵ نوشته اند. در این کار ضرری نیست. از چنین دانشمندی، هر چه تجلیل شود، کم است.

اینکه، حسین کوچک از پدری بنام عبدالله از مردم «بلخ» و مادری بنام ستاره از مردم «افشنه» (از روستاهای اطراف بخارا) در روزگاری پراشوب متولد شد. در آن هنگام، در اثر مخالفت صریح آل بویه با خلفای عباسی، این خلافت مقتدر رو به ضعف نهاده بود و احتمال می رود که تحریکات خلفای عباسی در برانگیختن امیران ترک آل سبکتکین بر ضد سامانیان موثر بوده، و چنانکه در تواریخ مذکور است، بسط قدرت محمود غزنوی به سرنگونی سلسله های ایرانی سامانی و مامونی منجر می شود، و ما نظیر این تحریکات را در مورد الناصر بالله خلیفه و چنگیز نیز می بینیم. در دوران این سلسله های ایرانی، تسامح و آسان گیری بیشتر بوده و لذا هم آثار فلسفه و علوم یونانی و اسکندران به میزان زیادی ترجمه شده بود و هم بحث های مذهبی در مسائل مختلف، حتی در محضر خلیفه ها و سلطانها، در گرفته بود. خلافت عباسی، که بقول نظام الملک در «سیاست نامه» به ترکان یا کدین حنفی و شافعی مذهب بیشتر اتکاء و باور داشت، سرانجام نتوانست یک دوران خشن ارتجاعی پدید آورد، که در زمان سلجوقیان نیز ادامه یافت. کار را بر آزاد اندیشی تک ساخت.

مردم انقلابی ما، زحمتکشانی که این انقلاب مال آنهاست و آنرا پاسداری میکنند، اجازه نخواهند داد که آمریکا هیچ غلطی بکند. و کسانیکه سرنوشت خود را با امپریالیسم آمریکا - هر اندازه هارو مکار - گره میزنند، عاقبتی جز همان از صحنه سیاست کنار رفتن و یا فراری شدن، بطوریکه خود نویسنده سرمقاله اعتراف کرده است، نخواهند داشت. آیا سرمقاله نویسن روزنامه انقلاب اسلامی دوستان آنقدر در ادامه این سیاست نادرست و زیان بخش سماجت میخواهند بخرج دهند که صحت آخرین حکم جمله «درستان» در مورد خودشان نیز اثبات شود؟! اما از حق نگذریم و جانب انصاف را نگاه داریم که سرمقاله ۲۰ بهمن ۵۹ روزنامه «انقلاب اسلامی»، علاوه بر آن جمله آغازین، یک جمله کاملاً درست دیگر هم دارد و آن اینک:

## تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا

در صورتیکه در جنوب شهریان مسکن در اختیارشان قرار گرفته، بپردازند. پرداخت وام مسکن از سالها قبل در دخانیات معمول است، ولی مقررات پرداخت این وام آنچنان تنظیم شده که کارگر، پس از بیست سال کار کردن، هنوز واجد شرایط برای دریافت وام و باوجود این که کارگر جوان میگویند که شرایط فعلی پرداخت وام موقعی برای کارگران شانس احتمالی دریافت وام را بوجود می آورد که کارگر، پس از سالها کار، با داشتن همسر و اولاد، زیر بار پرداخت اجاره بیهای طولانی، بکلی فرسوده و از پافتاده شده است. کارگران جوان میگویند که پرداخت احتمالی وام، پس از بیست سال کار کردن، دردی از آنان دوانمی کند. آنان خواستار آنند که شرایط فعلی پرداخت وام، با نظر نمایندگان واقعی - شان تغییر یابد و ترتیبی داده شود که به کلیه کارگران، حداکثر در آخر سال پنجم اشتغالشان بکار، وام خرید خانه پرداخت شود.

### در شرکت دخانیات

بقیه از صفحه ۴

### مشکل مسکن کارگران

مسئله مسکن یکی از مشکلات اصلی کارگران دخانیات را تشکیل میدهد. اکثریت قریب به اتفاق کارگران، بخصوص کارگران جوان کارخانجات دخانیات، فاقد مسکن هستند. کارگران جوان دخانیات، که حقوق متوسط آنان از سه هزار تومان تجاوز نمیکند، باید حداقل شصت درصد از دریافتی

"استقلال به معنای انزوا طلبی نیست، به معنی قطع رابطه با دیگر کشورها نیست، به معنای دیوار بندی و دور کردن کشیدن نیست. وقتی ما بتوانیم احترام به تمامیت ارضی کشور و احترام به حق حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تامین کنیم، وقتی مادر تمام شئون زندگی، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، بازرگانی، فرهنگی و غیره، خودمان، بر مبنای مصالح کشور و رشد و ترقی و وطنمان را تصمیم اتخاذ کنیم، استقلال کشورمان را تامین کرده ایم."

منتهی این جمله نقل قولی است که نویسنده سرمقاله روزنامه «انقلاب اسلامی»، از مقاله نامه مردم (۳۰ دیماه ۵۹) آورده است...

### درباره استقلال

بقیه از صفحه ۳

سرونی و بیرونی بازکنند، انقلاب را از درون بیوسانند، تا خصلت و ماهیت انقلاب از دست برود و به چیستی معتدل و میانرو، معقول و قابل مذاکره! تصور که ریگان سفارش میکند، بدل شود.

مردم انقلابی ما، زحمتکشانی که این انقلاب مال آنهاست و آنرا پاسداری میکنند، اجازه نخواهند داد که آمریکا هیچ غلطی بکند. و کسانیکه سرنوشت خود را با امپریالیسم آمریکا - هر اندازه هارو مکار - گره میزنند، عاقبتی جز همان از صحنه سیاست کنار رفتن و یا فراری شدن، بطوریکه خود نویسنده سرمقاله اعتراف کرده است، نخواهند داشت. آیا سرمقاله نویسن روزنامه انقلاب اسلامی دوستان آنقدر در ادامه این سیاست نادرست و زیان بخش سماجت میخواهند بخرج دهند که صحت آخرین حکم جمله «درستان» در مورد خودشان نیز اثبات شود؟! اما از حق نگذریم و جانب انصاف را نگاه داریم که سرمقاله ۲۰ بهمن ۵۹ روزنامه «انقلاب اسلامی»، علاوه بر آن جمله آغازین، یک جمله کاملاً درست دیگر هم دارد و آن اینک:

تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

### نمایندۀ مجلس عوام بریتانیا:

## مردم افغانستان از رژیم خود خشنودند

چنانکه بموقع خود نیز گزارش دادیم، چندی پیش سه تن از نمایندگان «مجلس عوام» بریتانیا به افغانستان سفر کردند و پس از بازگشت به کشور خود، در مقالات و مصاحبه‌های گوناگون، درباره برداشتهای خود از این سفر سخن گفتند.

در زیر متن یکی از این مصاحبه‌ها با نمایندگان رسانه‌های گروهی بریتانیا از نظرسر خوانندگان نامه «مردم» میگذرد:

پرسش: آیا شما میتوانستید آزادانه در شهرهای افغانستان گردش کنید؟ در اینبار مزاجمتی برایتان پیش نمی‌آوردند؟ سفرتان را از پیش برنامه‌ریزی نمی‌کردند؟

پاسخ: ما میتوانستیم در کمال آزادی، به هر جا که دلمان میخواست، سفر کنیم، عکس و فیلم برداریم و با هر فرد و گروهی سخن بگوئیم. چهره‌های مردم، همانگونه که در فیلم‌هایی که با خود آورده‌ایم، می‌بینید، شاد و بشاش بود. آشکارا دیده میشد که مردم از رژیم ببرک کارمل خشنودند.

پرسش: نظر شما درباره گزارشهایی که در مطبوعات غرب درباره افغانستان چاپ می‌شود، چیست؟

پاسخ: گزارشهای مطبوعات غربی غالباً دروغ است، زیرا منابع خبری آنها پاکستان است و «مسافرتی» که از پاکستان وارد افغانستان میشوند و یا برعکس.

پرسش: آیا ارتش شوروی بر امور افغانستان نظارت ندارد؟

پاسخ: آنچه که درباره ارتش شوروی شهرت داده شده است، بنظر ما درست نیامد. ما در کابل و دیگر شهرهای افغانستان سربازورسی ندیدیم. البته در فرودگاه کابل چند «میگ» شوروی دیده میشد. تکرار میکنم که باستان فیلم‌ها و عکس‌هایی که با خود آورده‌ایم، مردم رضایت کامل دارند. حضور ارتش شوروی را در افغانستان نباید پیراهن عثمان کرد و بودجه نظامی را افزایش داد و در فکر توسعه قدرت اتنی بود. چنین اقداماتی به هیچ‌روی قابل توجه نیست.

پرسش: نظر شما درباره سرت‌های پسران در افغانستان چیست؟

پاسخ: این شماره، بدون شك، دروغ و شماره حقیقی خیلی کمتر از آنست. اما چند هزار افغانی در پاکستان هستند، که دولت پاکستان مانع از بازگشتشان به افغانستان میشود.

پرسش: آیا شوروی‌ها با ما (خبرنگاران) هم اجازه ورود به افغانستان را میدهند؟

پاسخ: ورود به افغانستان ابتدا به اتحاد شوروی ربطی ندارد. این دولت افغانستان است که باید اجازه ورود بدهد، که میدهد هر کس بخواهد، میتواند به افغانستان سفر کند. حتی در مرز هوایی (فرودگاه) هم مأموران افغانی انجام وظیفه می‌کنند. خلاصه، ورود به افغانستان آزاد است.

## جو نامنی و ترور در بندرعباس

به دنبال ترور یکی از سرمایه‌داران بندرعباس و سرت‌های پیاپی‌ای که در چند روز گذشته (از اوائل اسفند ماه) در این منطقه صورت گرفته، وحشت و جو نامناسبی بندرعباس را فرا گرفته است.

این وضع نامناسب از هنگامی پیش آمد که يك انبار حاوی وسایل خانگی در بندرعباس به آتش کشیده شد و دو روز بعد يك دستگاه چاپ از اداره شرکت نفت به سرت رفت.

در روز ۲۱ بهمن نیز چند سارق مسلح پول‌های شعبه‌های بانک‌های بندرعباس را، که به بانک مرکزی منتقل میشد، به سرت بردند. در این حمله مسلحانه حدود ۵ میلیون تومان به سرت رفت و یکی از مأمورین دولتی نیز در جریان تیراندازی زخمی شد.

در آذرماه نیز حقوق پرسنل نیروی دریایی در منطقه توسط عده‌ای به سرت رفت. در جریان سرت این پول‌ها، يك درجه‌دار کشته و دو محافظ پول‌ها مجروح شدند. مبلغ سرت شده حدود ۸ میلیون تومان بود.

روز ۲۹ بهمن‌ماه نیز از مامور يك داروخانه مبلغ ۳۰۰۰۰۰ تومان به سرت رفت. سارقین سوار موتور و مسلح به یوزی بودند.

مجموعه این حوادث، که مدتی است بطور سازمان‌یافته در بندرعباس اتفاق می‌افتد، جو بسیار ناسامندی در این شهر به وجود آورده است. حضور افغانی‌های به اصطلاح مبارز و مسلمان، که وابسته به جمعیت‌های ضد انقلابی افغانی هستند نیز بر نامنی در منطقه افزوده است.

ما ضمن دادن هشدار به مقامات مسئول، از آن‌ها مصرانه می‌خواهیم که در مورد اتفاقات بندرعباس رسیدگی جدی به عمل آورند و با تقویت شبکه انتظامی منطقه، آرامش را به بندرعباس بازگردانند.

ما هشدار میدهم که ضد انقلابیون داخلی و خارجی آتش‌افروزی در بندرعباس را آغاز کرده‌اند. اجازه ندهید که در شرایط حساس مملکت، کانون تشنج دیگری را شاهد باشیم.

## حمله به دفتر و کتابخانه حزب توده ایران در سیاهکل

دفتر حزب توده ایران در سیاهکل، روز ۱۹ بهمن ۵۹، قبل از سخنرانی حجت‌الاسلام امینان مورد حمله قرار گرفت. همچنین کتابخانه هواداران حزب توده ایران نیز مورد حمله واقع شد و تمام کتابهای موجود در آن سوزانده شد. به دنبال حمله به دفتر و کتابخانه حزب، هواداران حزب توده ایران در سیاهکل، طی نامه‌ای به آقای

منطقه کانی سخت نبرد بین‌دولت‌ها و دشمنان ادامه داشت و چهار سنگر اجتماعی، يك برج دیده‌بانی و يك خمپاره‌انداز متجاوزان منهدم شد.

در نتیجه آتش توپخانه و خمپاره‌اندازهای دشمن پس‌روی مناطق مسکونی آبادان، چند واحد مسکونی و دولتی و مغازه آسیب دید و سه تن از هموطنان آبادانی شهید و ۱۷ تن زخمی شدند. چند هوایی متجاوز عراقی نیز، در شهرهای مرزی جنوب و غرب کشور ظاهر شدند، که با اجرای آتش یکانهای پدافند زمین به هوا متواری شدند.

روی مواضع افراد نظامی عراق در آسوی ارون‌سدرود، از فعالیت‌های دشمن در آن منطقه ممانعت بعمل آوردند.

همچنین يك گروه گشتی از مدافعان انقلاب، که از یکی از مناطق غرب کشور به خاک عراق نفوذ کرده بودند، ضمن درگیری با نیروهای دشمن، موفق شدند يك تانک و دو خودروی نظامی ارتش تجاوزگر عراق را منهدم کنند و پنج تن از تجاوزگران صدامی را به هلاکت برسانند و تعدادی را نیز زخمی کنند. در این درگیری يك تن از قوای ما اسیر و دو تن شهید شدند. در

## ضربات سنگینی...

پتیه از صفحه ۱

در محور ماهشهر - آبادان تانک و چند خودروی دشمن آسیب وارد آمد و يك انبار مهمات ارتش عراق به کلی نابود شد. قبرمانان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران نیز با اجرای آتش بر روی مواضع دشمن در منطقه غرب خوزستان، تلفات و خساراتی بر متجاوزان صدامی وارد آوردند. همین مبارزان در عملیات خود توانستند با اجرای آتش خمپاره

## جامعۀ سوسیالیستی...

پتیه از صفحه ۱

میکند و نمودار سیاسی در قبال خدماتی است که اتحاد شوروی در راه تأمین آینده صلح‌آمیز و بهتر برای تمام خلقها انجام میدهد.

مک‌لنن گفت:

«پیشنهادهای جدید صلح‌جویانه‌ای که در گزارش لنیندرتوف به کنگره ارائه شد، بطلان این ادعاهای افتراآمیز را، که گویا اتحاد شوروی يك دولت متجاوز و توسعه‌طلب است، به اثبات میرساند.»

هنگ سامرین، رئیس شورای انقلابی جمهوری دمکراتیک خلق کامبوجیا، طی مصاحبه

**در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی، شرکت کنیم!**

### به زبان لیبرالی، بالهجه آمریکائی



عوسام به باورایش، ای بنایم به اون چماقت !!

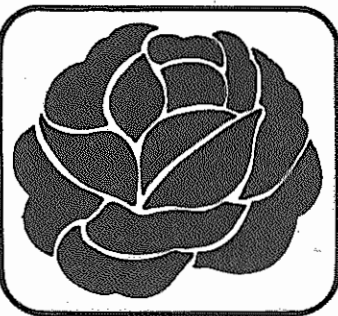
انقلاب اسلامی، ۶ اسفند ۱۳۵۹

### ترجمه به فارسی



عوسام به انقلابی، ای بنایم به اون چماقت !!

## تقویم سال نو



۱۳۶۰ بزودی منتشر میشود

## این هفته در «نامه مردم» بزبان کردی میخوانید:

چگونه مردم ناراضی میشوند و چه باید کرد که ناراضی نشوند.  
- پیام تبریک کمیته مرکزی حزب توده ایران به نمایندگان بیست و ششمین کنگره حزب

کمیست اتحاد شوروی - از گزارش کنگره بیست و ششم حزب کمیست اتحاد شوروی:

انقلاب ایران رویدادی بسیار مهم در حیات بین‌المللی بود.

به مناسبت کنگره بیست و ششم حزب کمیست اتحاد شوروی: دستاوردهای اتحاد شوروی (دو فاصله کنگره‌های ۲۵ و ۲۶ حزب کمیست اتحاد شوروی)

تظاهرات دانشجویان عراقی و دانشجویان توده‌ای علیه رژیم صدام‌حسین در لندن

به مشکلات روستاهای کردستان رسیدگی کنید.

اصطلاحات سیاسی - اجتماعی - شعر

## حمله به دفتر و کتابخانه حزب توده ایران در سیاهکل

دفتر حزب توده ایران در سیاهکل، روز ۱۹ بهمن ۵۹، قبل از سخنرانی حجت‌الاسلام امینان مورد حمله قرار گرفت. همچنین کتابخانه هواداران حزب توده ایران نیز مورد حمله واقع شد و تمام کتابهای موجود در آن سوزانده شد. به دنبال حمله به دفتر و کتابخانه حزب، هواداران حزب توده ایران در سیاهکل، طی نامه‌ای به آقای





# توطئه فئودال های اربابان علیه انقلاب افزایش یافته است

فئودالهای منطقه کلید و اربابان با کمک ساواکیها و سایر عوامل ضدانقلاب در این منطقه دست به تبلیغات وسیعی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران زده اند. اینان از سوتی با کمک تفنگدارانشان به آزار و اذیت روستائیان می پردازند و از سوی دیگر با تحریک آنان علیه جمهوری اسلامی ایران و سوء استفاده از محرومیت های اهالی، تخم یاس و ناامیدی نسبت به انقلاب و دستاوردهای آنرا در روستائیان می کارند.

این عناصر که در رأسشان یک افسر سابق ارتش و عضو ساواک منحل قرار دارد، اخیراً نهادهای انقلابی و مسئولین این ارگانها را هدف حملات خود قرار داده اند. آن ها از جمله می گویند با زدن برچسب «کمیونیست» و «وابسته به شوروی» اقدامات انقلابی دادستان سابق انقلاب این شهرستان و نماینده فعلی مجلس شورای اسلامی را که زمین های خوانین منطقه از جمله اسدالله خان و شجاع خان را به مردم واگذار کرد، نامشروع جلوه دهند. اینان تبلیغ می کنند که «تقسیم زمینهای فئودالها عملی غلط و غیرقانونی است و باید هر چه زودتر اموال فئودالها به آنان باز پس داده شود!! از سوی دیگر ضد انقلابیون دست به یک عوامفریبی رذیله زده اند و با پخش رایگان مایحتاج عمومی روستائیان از قبیل روغن نباتی، قند و شکر و پودر رختشویی که در منطقه بسیار کمیاب است، (خودشان احتکار گراصلی هستند) علیه جمهوری اسلامی ایران تبلیغ و وانمود می کنند که انقلاب برای زحمتکشان روستاها هیچ فایده ای نداشته است و این فئودالها و عواملشان هستند که به داد روستائیان می رسند.

بر اثر تبلیغات گسترده ضدانقلاب علیه انقلاب و نیروهای مترقی و متعهد، جوئی متشنج و آماج سوءاستفاده ضدانقلاب در این منطقه بوجود آمده است. بر مسئولان دولتی و ارگانهای انقلابی استان، بخصوص پاسداران انقلاب است که با قاطعیت علیه توطئه این فئودالها و عواملشان وارد عمل شوند و با خلع سلاح فئودالها و عواملشان از سوتی و حل سریع مشکلات زندگی مردم این ناحیه از سوی دیگر، توطئه ضدانقلاب را برای ایجاد ناراضی و بدبینی در بین زحمتکشان این منطقه نسبت به انقلاب، خنثی سازند.

نمایشنامه «جانشین»، نوشته غلامحسین ساعدی، به کارگردانی ایرج راد به صحنه آمده است. در پرورش نمایشنامه می خوانیم که:

«جانشین برداشتی است نمایشی از جنگ قدرت طلبانه گروها و دستجات سیاسی، که قبل از ۴۸ مرداد ۱۳۳۳، با ینش تنگ نظران و انحصارطلب خود، زمینه را برای سلطه مجدد استعمارگران خارجی و سرمایه داران داخلی فراهم کرد و نتیجه اش کودتای ننگین ۴۸ مرداد بود.»

نمایش با سودجستن از زبان تمثیلی و شیوه های دولتی، که کلاسیک و سیاق نمایشنامه نویسی پوچی است، نه تنها واقعیت های تاریخی را تا حد ابتذال لوٹ می کند، بلکه علیرغم ادعای پرورش، در محدوده جریانات سال ۳۲ باقی نمی ماند و حکمی کلی در مورد وقایع زمان حاضر نیز ارائه می دهد. داستان از این قرار است که:

سه گروه سیاسی (که در نمایشنامه بصورت سه دلقک نشان داده می شوند) قدرتی را سرنگون می کنند و از صحنه بیرون می رانند. حالا ما شاهد درگیری و نزاع این سه تن (سه گروه یا حزب) هستیم که سعی میکنند یکدیگر را از میدان بدر برند. آنان در این تلاش، از انواع حیل استفاده می کنند، از دروغ و حقه بازی و استیزاء و توهین تا اعمال زور و عاقبت جنگ مسلحانه، که در گیرودار آن، قدرت سرنگون شده، جان تازه ای می یابد، از سوراخ خود بیرون می خزد، با اسلحه خود به سمت مردم می رود و آنان را به رگبار می بندد. توده های مردم (که اثری از آنها در نمایشنامه نیست و تنها صدایشان از دور می آید) در واقع آلت دست این سه گروه هستند و تنها فریاد می زنند: «جانشین، جانشین...» و عاقبت هم بی هیچ مقاومتی به خاک و خون می غلطند.

علیرغم آنکه، به احتمال بسیار، کارگردان نمایشنامه در به صحنه بردن این اثر حسرت داشته، یعنی که سعی کرده

## نقدی بر اجرای نمایش «جانشین» در تالار رودکی

رودکی

### جانشین:

## تحریف مبارزات حق طلبانه توده ها

نویسنده: غلامحسین ساعدی

کارگردان: ایرج راد

بازیگران: غلامعلی نبی پور،

داریوش مؤدبیان، جواد خدای

دادی، حسین کسری

است هشدار به نیروهای سیاسی کنونی بدهد، تا دست از اختلاف و درگیری بردارند، ایها متاسفانه خود به دام اثرا فاده است. نمایشنامه ای که برای اعلام این هشدار برگزیده شده، سراسر جعل و تحریف تاریخ است. کودتای ۲۸ مرداد را، که در «سیا» برنامه ریزی و بوسیله عمال داخلی امپریالیسم آمریکا و انگلیس در ایران اجراء شد، تنها نتیجه درگیری نیروهای داخلی دانستن، نه فقط ساده کردن تاریخ، که لوٹ کردن آن است. گروه های سیاسی را از زمینه طبقاتی آن ها جدا کردن و ماهیت شان را یکی نشان دادن، تنها ساده انگاری کودکانه است، که عملاً به تحریف تاریخ می انجامد. مهم تر از این ها، نقش مردم است

# هنر

که در این نمایشنامه تاحد عروسک های بی اراده تنزل یافته اند. در نمایش، مردم عروسک های بی اراده که کوچکترین دخالتی در تعیین حرکت تاریخ ندارند، سر نوشت آنها را سیاستمداران حریص و حیوان صفت، پشت درهای بسته تعیین می کنند. مردم نادان و ناتوان اند و، در نتیجه، شکست آنها محتم است.

باید به این نکته توجه داشت که هر نمایشنامه ای به صرف آنکه در حکومت فاشیستی پهلوی بزم سانسور رفته و یا حتی نویسنده آن دستگیر شده است، لزوماً اثری مبتنی بر یک پیش سالم علمی نیست. دلایل یاد شده نمی تواند جواز باشد برای به صحنه بردن آثاری که نه تنها کوچکترین تأثیری در روشنگری اذهان مردم نسبت به واقعیت های تاریخی ندارند، بلکه با کلی گویی های روشنفکرانه، ساده انگاری و تحریف وقایع، تماشاگر را گیج و سردرگم می کنند. نمایشنامه «جانشین» با حذف طراح و مجری کودتای ۲۸ مرداد، یعنی امپریالیسم آمریکای انگلیس، نادیده گرفتن نقش توده های تاریخ ساز و لوٹ کردن مبارزات طبقاتی مردم (که مبارزات سیاسی گروه ها انعکاس آن است) اثری است که نمی توان در فضای سیاسی و انقلابی جامعه ما بی تفاوت از کنارش گذشت. در واقع نمایش بزرگترین تجربه تاریخی مردم ما را از توطئه امپریالیسم، پسر کردگی امپریالیسم جهان خوار آمریکا، بصورتی تحریف شده و نادرست منعکس میکند و تماشاگرانی را که هنوز آثار سموم ۲۵ سال جعل و تحریف وقایع ۲۸ مرداد از اذهانشان پاک نشده است، گیج و نومید و سردرگم رها می سازد.

## افشای نقشه های تجاوز گرانه امپریالیستی در منطقه خلیج فارس

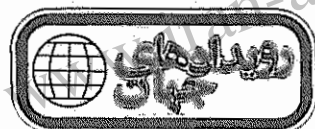
مطبوعات کشورهای منطقه خلیج فارس، پیشنهاد تشکیل نیروهای نظامی چند ملیتی غرب در این منطقه را مغایر با منافع ملی خلقهای این منطقه ارزیابی میکنند. روزنامه «النداء»، چاپ عربستان سعودی مینویسد: «هدف این پیشنهاد گسترش حضور نظامی دول امپریالیستی غرب در این منطقه است که موجب افزایش وخامت اوضاع در این منطقه خواهد شد.» روزنامه «الرای»، چاپ قطر، و روزنامه «الفجر» چاپ امارات عربی، این نقشه ها را تهدیدی جدی علیه استقلال و امنیت کشورهای این منطقه ارزیابی کرده اند. پیشنهاد تشکیل نیروهای چند ملیتی غرب در منطقه خلیج فارس، در دیدار مارگارت تاچر، نخست وزیر انگلستان، با ویگان، رئیس جمهوری آمریکا، که در واشنگتن انجام گرفت، عنوان شده است. تاچر در جریان دیدار خود از واشنگتن اظهار داشت که دولت انگلستان آماده است واحدهای از نیروهای مسلح انگلیس را برای تقویت واحدهای امریکائی نیروی واکنش سریع به منطقه خلیج فارس اعزام دارد.

## اعتصاب غذای زندانیان در ایرلند شمالی

گروهی از زندانیان بازداشتگاه لوگتشی در ایرلند شمالی، به نشانه اعتراض علیه شرایط فوق العاده دشوار زیست زندانیان، اعتصاب غذا اعلام کردند. نماینده کمیته حمایت از زندانیان سیاسی در بازداشتگاه لوگتشی این مطلب را به روزنامه نگاران اطلاع داد. نماینده کمیته حمایت از زندانیان سیاسی، نامه گروهی از زندانیان را که، مخفیانه از زندان فرستاده بودند، برای روزنامه نگاران قرائت کرد. در این نامه زندانیان از رفتار غیر انسانی ماموران بازداشتگاه و شکنجه و ضرب و شتم زندانیان شکایت کرده اند.

## بازگشت خانوارهای روستائی افغانی به میهن

طبق گزارش خبرگزاری باختر، اخیراً صد خانوار روستائی افغانی به میهن خود بازگشتند. این خانوارها، که در اثر تبلیغات خصومت آمیز و گمراه کننده، میهن خود را ترک کرده بودند، اکنون که به ماهیت این تبلیغات امپریالیستی و واقعیات تحولات انقلابی در افغانستان آگاه میشوند، به خانه و کاشانه خود باز میگردند. طی یکسال اخیر عده زیادی از روستائیان افغانی، که بدام تبلیغات نیروهای ضدانقلاب افتاده بودند، به افغانستان بازگشته اند.



## مخالفت حزب کار هلند با استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی

کنگره حزب کار هلند، قطعنامه ای در مخالفت با استقرار موشکهای هسته ای در اروپای غربی صادر کرد. در این قطعنامه آمده است که مردم هلند با استقرار موشکهای هسته ای امریکائی در خاک کشور خود مخالفت میکنند و از دولت میخواهند که از چنین اقدامی خودداری کند. در قطعنامه از دولت هلند طلب شده است که عضویت هلند را در سازمان نظامی پیمان تجاوزکار ناتو لغو کند.

## چهل و یکمین ماه پرواز آزمایشگاه فضائی «سالیوت» در مدار زمین

چهل و یک ماه است که آزمایشگاه فضائی «سالیوت» به پرواز خود در مدار زمین ادامه میدهد. تاکنون ۱۳ گروه کیهان نوردی به این آزمایشگاه آمده و مدتی در آن اقامت داشته اند. اکنون این آزمایشگاه فضائی پژوهشها و آزمایشهای علمی خود را، که بوسیله دستگاههای خودکار و الکترونی انجام میگیرد، ادامه میدهد و همچنان در مدار زمین در گردش است.

## چماق داران کیوسک فروش نشریات را در اصفهان ربودند!

ضدانقلابیون چماق دار، عصر پنجشنبه گذشته، یک کیوسک آهنی فروش نشریات را، که در آن از جمله نشریات حزب توده ایران فروخته میشد، توسط کامیون ربودند و به نقطه نامعلومی بردند! ضدانقلابیون، که شبانه به این سرقت دست زده بودند، پایه ای که ممانعتی از طرف مسئولان انتظامی شهر روبرو نشدند.

روز بعد، صاحب کیوسک، در کنار خیابان، در نزدیکی دروازه شمیران اصفهان، بساط خود را روی زمین پهن کرد و به فروش نشریات پرداخت. عصر یکشنبه چماق داران از راه رسیدند و با یورش وحشیانه خود، نشریات را از میان بردند و سپس آزادانه محل را ترک کردند. آنها هنگامیکه با اعتراض مردم روبرو شدند، گفتند: «ما قوانین اسلام را اجرا میکنیم!» روشن است که اینگونه اعمال، که زیر نقاب اسلام انجام میشود، آنهم درست بعد از سخنان رهبر انقلاب و دیگر مسئولان کشور علیه چماق داران، توسط ساواکیها و مائوئیست های امریکائی سازمان داده شده است و هدفی غیر از لطمه زدن به حیثیت جمهوری اسلامی ندارد. آیا مسئولان نباید سرانجام بخاطر انقلاب، با این چماق داران مقابله کنند؟

## محدودیت در راه فعالیت حزب توده ایران در قروه

در روزهای اخیر، بویژه پس از سخنرانی بنامست دومین سالگرد پیروزی انقلاب، موج جدیدی از تهاجم و تحریک علیه فعالیت قانونی حزب توده ایران در شهرستان قروه از توابع کردستان آغاز شده است. این تهاجمات به تحریک عده ای عناصر شناخته شده و تحت نام «حزب الله» صورت میگیرد. هدف این عده جلوگیری از پخش و فروش علنی و قانونی نشریات حزب توده ایران است.

متاسفانه عده ای از مسئولین شهرستان قروه نیز از این عناصر مهاجم پشتیبانی می کنند. درباره این حملات، مسئولین سازمان حزب توده ایران در شهرستان قروه بارها به مقامات مسئول شهر مراجعه و گفتگو کرده و خواستار جلوگیری از ادامه این اعمال شده اند. متاسفانه در پاسخ این مراجعات، بعضی از مقامات شهر بدون توجه به قانون اساسی گفته اند که حزب توده ایران غیر قانونی است و حق هیچگونه فعالیتی ندارد. (این نظر بیشتر توسط مسئول سپاه پاسداران شهر اظهار می شود). ما ضمن اعتراض شدید به این اعمال و سخنان خلاف قانون، توجه مقامات مسئول کشور را به این مساله جلب می کنیم و خواهان رفع این محدودیتها هستیم.

نماه مهرم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

**NAMEH MARDOM**

No. 458  
3 March 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۳۵۵۱ منطقه پستی تهران